

بحران‌سازیهای سیاسی و اقتصادی روس و انگلیس در دوران دوم مشروطیت ایران (۱۳۲۷-۱۳۳۲ق)

مظفر شاهدی

طرح مسئله

در ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷/۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ مشروطه‌خواهان تهران را فتح کردند، دوران موسوم به استبداد صغیر پایان پذیرفت و از آن پس روابط مالی - اعتباری و نیز سیاسی دولت ایران با کشورهای روس و انگلیس روندی تازه یافت. در این نوشتار گوشه‌های مهمی از روابط سیاسی - مالی این دو کشور با ایران از هنگام فتح تهران تا آغاز جنگ جهانی اول بررسی شده. لازم است یادآوری شود که آتش جنگ جهانی اول پس از قتل ولیعهد اتریش در ساریوو در ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴/۵ رمضان ۱۳۳۲ افروخته شد و از ۴ اوت ۱۳۳۲/۱۲ رمضان ۱۳۳۲، با اعلام جنگ انگلستان به آلمان، به سرعت آغاز شد.

این مقاله عمدتاً بر مبنای فرضیات زیر تنظیم شده است:

۱. دولتهای دوره دوم مشروطیت اساساً میراث‌دار بحرانهای مالی و اقتصادی پایان‌ناپذیری شدند که ریشه‌های تاریخی آن حداقل تا اواسط دوران سلطنت ناصرالدین شاه استوار بود.

۲. دو کشور روس و انگلیس در وابستگی مالی و عقب‌ماندگی مزمن اقتصادی ایران در تمام سالهای میانی قرن نوزدهم میلادی به بعد، که اینک در تحولات سیاسی - اقتصادی دوران مشروطیت نمود آشکار و بدون پیرایه‌ای پیدا کرده بود، نقش درجه‌اول و غیرقابل انکاری داشتند.

۳. بحران‌سازی‌های مالی و اقتصادی دو کشور روس و انگلیس از جمله مهم‌ترین علل ناکارآمدی دولتهای عصر مشروطیت به طور کلی و دوران مشروطه دوم (۱۳۲۷-۱۳۳۲ق) به طور اخص به شمار می‌رفت.

۴. هر دو کشور روس و انگلیس با اعمال فشارهای سیاسی و بحران‌سازیهای

مالی پایان‌ناپذیر نقش قابل توجهی در عقیم‌گذاشتن و تحقق نیافتن آرمانهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ایرانی در عصر مشروطیت داشتند.
۵. و با تضعیف موقعیت دولتهای عصر مشروطیت و نادیده گرفتن استقلال سیاسی و اقتصادی ایران، که با گسترش اختلافات داخلی هم همراه بود، مانع از شکل‌گیری یک جامعه مدنی بالنده و رو به تکامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شدند.

در این نوشته با رویکردی اقتصادی - سیاسی، بحران‌سازیهایی دوکشور روس و انگلیس برای دولتهای عصر مشروطه دوم در مقطع سالهای ۱۳۲۷-۱۳۳۲ق مورد توجه قرار گرفته و تصریح شده که این دو کشور در این حساس‌ترین دوران مشروطه‌خواهی ایرانیان کارنامه سخت تأسفباری در عرصه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران از خود برجای نهادند و سپس با اشغال ایران در طول دوران جنگ جهانی اول موجبات ازهم‌گسیختگی بازهم مضاعف‌تر سیاسی - اقتصادی کشور را فراهم آوردند؛ و، در نهایت، دولت بریتانیا با حمایت از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و قدرتیابی رضاخان انقلاب مشروطیت ایران و دستاوردهای آن را عملاً به سوی نیستی سوق داد.

* * *

مسئله بدهیهای محمدعلی میرزا

محمدعلی شاه، که در روز ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ از سوی کمیسیون فوق‌العاده‌ای که از رهبران مشروطه تشکیل شده بود، از سلطنت خلع شد، از هنگام ولایتعهدی‌اش در تبریز پیوسته وامدار بانک استقراضی بود و زمانی که سریر سلطنت را ترک کرد قروض پرداخت نشده او به بانک استقراضی مبالغ گزافی را شامل می‌شد. بنابراین، از همان روزهای نخست فتح تهران رهبران مشروطه برای تسویه امور محمدعلی میرزا و تبعید او از کشور لاجرم با بانک استقراضی و سفارت روس در تهران وارد گفت‌وگو شدند. در واقع، بانک استقراضی که مبالغ هنگفتی وام در اختیار محمدعلی شاه قرار داده بود به ویژه به پشتیبانی سفارت روس در تهران اولیای امور ایران را هشدار می‌داد تا هنگامی که جهت تسویه این قروض و یا تعیین تکلیف آن اقدامی کافی به عمل نیاید از خروج محمدعلی میرزا از کشور جلوگیری خواهد کرد.^۱ علاوه بر این، محمدعلی شاه هم در طول دوران استبداد صغیر مقادیر زیادی از جواهرات سلطنتی را در بانک

۱. کتاب آبی. به کوشش احمد بشیری. تهران. نشر نو، ۱۳۶۳. ج ۳، ص ۶۵۵.



بندر اودسای روسیه تبعیدگاه محمدعلی میرزا
وی پس از رفتن از ایران بدهیهایش به دولت تحمیل شد [۲۶۷-۶]

استقراضی گروگذارده و، در مقابل، وامهایی را عمدتاً به حساب شخصی دریافت کرده و به مصرف رسانیده بود. بنابراین، اولیای امور دولت ایران نیز برای اطلاع کافی از کم و کیف قضایا و میزان دقیق جواهرات و اشیاء نفیسی که در بانک استقراضی به گروگذارده شده بود خود را برای مذاکره با اولیای بانک استقراضی و سفارت روس ناگزیر می دیدند.

علاوه بر آن، محمدعلی شاه در آستانه فتح تهران مقادیر دیگری از جواهرات سلطنتی را نیز با خود به سفارت روس برده بود و سران مشروطه قصد داشتند نسبت به استرداد آن اقدامات لازم را به عمل آورند به ویژه اینکه گفته می شد بخشی از این

جواهرات در بانک استقراضی به امانت گذارده خواهد شد. به همین دلیل، هیئتی از رهبران مشروطه متشکل از حسینقلی خان نواب، سید حسن تقی‌زاده، وثوق‌الدوله، مستشارالدوله و چندتن دیگر مأموریت یافتند، با مراجعه به سفارت روس، درباره جواهرات به رهن گذارده شده در بانک استقراضی و نیز اشیاء نفیس و جواهراتی که محمدعلی میرزا با خود به سفارت برده بود مذاکره کنند و قرار لازم را درباره چگونگی استرداد آنها به خزانه دولت بگذارند.^۲

در نهایت، حسینقلی خان نواب، عمیدالحکماء و مشارالسلطنه مأمور شدند درباره مطالبات بانک استقراضی از محمدعلی شاه مخلوع با مقامات سفارت روس و بانک استقراضی گفت‌وگو کنند و قرار لازم را بگذارند.^۳ پس از گفت‌وگوها و ارائه اسناد موجود معلوم گردید که محمدعلی شاه تا پایان دوران استبداد صغیر مبلغی در حدود ۱۴/۱۳۴/۳۴۶ قران معادل تقریبی^۴ سه کروور تومان معادل ۶/۰۰۰/۰۰۰ فرانک^۵ و یا ۳/۰۰۰/۰۰۰ روبل بدهکار شده است. بدین ترتیب، جهت خروج محمدعلی شاه از کشور، دولت ایران چاره‌ای نداشت جز اینکه بازپرداخت قروض او به بانک استقراضی را بر عهده بگیرد.^۶

به همین دلیل نمایندگان دولت ایران با سفرای روس و انگلیس در تهران وارد مذاکره شدند تا ضمن تسویه قروض محمدعلی میرزا به بانک استقراضی و چگونگی استرداد جواهرات دولتی از بانک مذکور برای خروج او از ایران معاهده‌ای تنظیم کنند. آن دو دولت، در این میان، به ویژه خواستار برقراری مقرری ثابتی از سوی دولت ایران در حق محمدعلی میرزا شدند. دولت ایران نیز، ضمن موافقت با این خواسته، اظهار کرد که این مستمری فقط تا هنگامی که عمل خلافی از سوی محمدعلی میرزا برضد دولت ایران

۲. تاریخ استقرار مشروطیت در ایران (مستخرج از روی اسناد محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان). به کوشش حسن معاصر. تهران، ابن‌سینا، ۱۳۵۲. ج ۲، صص ۱۲۷۰-۱۲۷۱.

۳. صادق صادق (مستشارالدوله). خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق، (مجموعه اول). به کوشش ایرج افشار. تهران، فردوسی، ۱۳۶۱. صص ۱۵۸ و ۱۷۳.

۴. فیروز کاظم‌زاده. روس و انگلیس در ایران (۱۸۶۴-۱۹۱۴). ترجمه منوچهر امیری. تهران، کتابهای جیبی، ۱۳۵۴. ص ۹۵.

۵. ویلهلم لیتن. ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی (۱۸۶۰-۱۹۱۹). ترجمه مریم میراحمدی. تهران، معین، ۱۳۶۷. ص ۹۵. ۶. تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، همان، ص ۱۳۶۸.

صورت نگرفته باشد در حق او کارسازی خواهد شد.^۷

بنابر توافقات صورت گرفته، دولت ایران قروض محمدعلی میرزا به بانک استقراضی را از قرار فرع ۱۲ درصد برعهده گرفت و، در مقابل، املاک و داراییهای غیرمنقول او را، که گفته می‌شد سالانه بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان عایدی دارد، به تملک خود درآورد. علاوه بر این، حاضر شد سالانه تا ۹۰/۰۰۰ تومان در حق او مستمری برقرار کند. با این حال، گویا محمدعلی میرزا چندان به این قرار رضایت نمی‌داد و خواهان اخذ امتیازات بیشتری بود.^۸

در همان حالی که این اقدامات در جریان بود اولیای امور دولت ایران با سفارت روس و نیز بانک استقراضی مذاکراتی را درباره میزان جواهرات گرویی در نزد بانک استقراضی آغاز کردند. وزارت امور خارجه ایران، طی مراسلاتی، از بانک استقراضی خواست صورت کاملی از جواهراتی که محمدعلی میرزا طی سالهای گذشته در قبال اخذ وام در نزد آن بانک به گرو سپرده بود تسلیم دولت ایران نماید.^۹ همگام با این مذاکرات، با برخی از کسانی که در دوره‌های پیشین جواهرات در گرو گذارده شده با اطلاع آنان از خزانه خارج شده بود گفت‌وگوهایی صورت گرفت و اطلاعات این افراد تا حد زیادی به مقصود اولیای امور کمک نمود.^{۱۰}

هنگامی که این مذاکرات و تفحصات به نتیجه دلخواه دو طرف رسید در ۲۵ اوت ۸/۱۹۰۹ شعبان ۱۳۲۷ پروتکلی شامل یازده ماده به امضای اولیای امور دولت ایران و سفرای روس و انگلیس در تهران رسید که به موجب آن قرار لازم درباره لزوم استرداد تمام جواهراتی که از سوی محمدعلی شاه در بانک استقراضی به گرو گزارده شده بود داده شد و نیز بازپرداخت قروض اعطایی بانک استقراضی به محمدعلی شاه برعهده دولت ایران افتاد و با تعیین مقرری سالانه ۱۰۰/۰۰۰ تومان برای محمدعلی شاه روند خروج وی از کشور تسریع شد.^{۱۱}

مدتی پس از عقد این پروتکل، بر اساس ماده چهارم آن، که مقرر می‌داشت دولت

۷. کتاب آبی، همان، ص ۶۹۱. ۸. همان، صص ۶۹۳-۶۹۴.

۹. مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۷ق، کارتن ۵۲، پوشه ۱۷.

۱۰. روزنامه ندای وطن، س ۳، ش ۲۶، ۵ شعبان ۱۳۲۷، ص ۳.

۱۱. فیروز کاظم‌زاده، همان، صص ۵۲۷-۵۲۸؛ و ایوان الکسوویچ زینویف. انقلاب مشروطیت ایران. ترجمه

ابوالقاسم اعتصامی. تهران، اقبال، ۱۳۶۲، صص ۱۴۲-۱۴۴.

ایران بازپرداخت قروض محمدعلی میرزا به بانک استقراضی را عهده‌دار خواهد بود،^{۱۲} میان بانک استقراضی با دولت درباره چگونگی بازپرداخت این قروض قرارداد جداگانه‌ای منعقد شد.^{۱۳} به موجب آن، دولت ایران تعهد نمود که قروض فوق را، که میزان آن قریب به سه کرویر تومان و معادل ۳۰۰/۰۰۰ لیره بود، با تنزیل ۶ درصد و در مدت ده سال به بانک استقراضی بپردازد و عایدات حاصل از گمرکات شمال ایران نیز به عنوان تضمین بازپرداخت این قروض در نظر گرفته شد.^{۱۴}

با وجود قرار و مدارهایی که نهاده شده بود، استرداد جواهرات سلطنتی ایران، که در بانک استقراضی به گرو سپرده شده بود، سالها به طول انجامید و مشکلاتی پیش روی اولیای امور دولت ایران قرارداد به ویژه اینکه اسنادی که بانک استقراضی در قبال اخذ این جواهرات به محمدعلی شاه و برخی اعضای خانواده او سپرده بود تا مدتها به دست نیامد و، در نتیجه، پرونده این جواهرات سالها مفتوح بود و هر از چندگاه اولیای امور دولت ایران با تکیه بر مدارکی که به دست می‌آوردند برای استرداد باقی مانده این جواهرات از بانک استقراضی به تلاشهایی دست می‌زدند. لازم است یادآوری شود که در همان سال ۱۳۲۷ قمری با پیگیریهایی که هیئت ایرانی مسئول استرداد جواهرات انجام داد توانست شش بسته از جواهرات را از بانک استقراضی اخذ نماید و با ارائه مستندات کافی اولیای این بانک را به استرداد این جواهرات متقاعد سازد. اما طبق اطلاعات موجود، حداقل اسناد دو بسته از این جواهرات گرویی در نزد بانک مذکور را محمدعلی شاه و اعضای خانواده او از کشور خارج کرده بودند و به تبع آن، بانک استقراضی نیز حاضر به استرداد این جواهرات نمی‌شد. در سال ۱۳۳۰ قمری بانک استقراضی در صدد برآمد دو بسته باقی مانده از این جواهرات را که گفته می‌شد اسناد آن را محمدعلی میرزا و یا برخی از اعضای خانواده او به خارج از کشور منتقل کرده بودند به فروش برساند. به همین دلیل، اولیای امور دولت ایران بر آن شدند با تمدید مدت زمان گرویی این جواهرات از فروش آن توسط بانک جلوگیری به عمل آورند.^{۱۵} در همین راستا، وزارت امور خارجه در هماهنگی با وزارت مالیه، با ارسال نامه‌هایی، به

۱۲. کتاب آبی، همان، صص ۷۲۴-۷۲۶؛ مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه). گزارش ایران: فاجاربه و مشروطیت.

چاپ دوم. تهران، نقره، ۱۳۶۳. صص ۲۳۹-۲۴۰.

۱۳. متن قرارداد به دست نیامد.

۱۴. کتاب آبی، همان، ص ۷۳۹.

۱۵. مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۰ق، کارتن ۵۲، پوشه ۹.

سفارت روس و بانک استقراضی، ضمن تأکید بر اینکه جواهراتی که در رهن بانک قرار گرفته است از آن دولت ایران بوده و هرگونه دخل و تصرفی در آن ممنوع می‌باشد، خواستار تجدید موعد رهن آن شد و گویا توافقاتی هم جهت تمدید مدت گرویی این جواهرات در بانک استقراضی به عمل آمد.^{۱۶} با این حال، اولیای بانک استقراضی در ۱۶ آوریل ۲۸/۱۹۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۳۰ تأکید کردند که جواهرات سلطنتی مذکور به نام محمدعلی شاه در بانک به گرو نهاده شده است و تا هنگامی که او یا نماینده تام‌الاختیارش مجوز لازم را ارائه ندهند بانک استقراضی از تسلیم جواهرات به رهن گذارده شده به دولت ایران خودداری خواهد کرد.^{۱۷} تا اینکه مدتها بعد، در سال ۱۳۳۱ قمری، ملکه جهان همسر محمدعلی میرزای مخلوع به شعبه بانک استقراضی در سن پترزبورگ اطلاع داد که اسناد دو فقره جواهراتی که وی به هنگام سلطنت محمدعلی شاه به بانک استقراضی سپرده بود مفقود گشته است و زمانی که بانک استقراضی درباره این قبوض از دولت ایران استعلام نمود مسئولان امر دریافتند که این قبوض گم شده مربوط به همان دو بسته جواهرات سلطنتی است که مدت‌هاست در بانک استقراضی محبوس بوده و به علت فقدان مستندات کافی امکان استرداد آنها برای دولت ایران فراهم نشده است.^{۱۸}

وزارت امور خارجه ایران نیز، در پاسخ به این درخواست سفارت روس، در ۲۵ جمادی‌الاول ۱۳۳۱، ضمن اشاره به پیگیری‌هایی که طی سالهای گذشته جهت استرداد این جواهرات از بانک استقراضی به عمل آمده بود، قبوض ادعایی ملکه جهان را مربوط به جواهرات سلطنتی‌ای دانست که در بانک مذکور محبوس است و خواستار اقدامات لازم برای بازگرداندن این جواهرات به خزانه دولت ایران شد.^{۱۹}

چنانکه در بند ششم پروتکل مربوط به شرایط خروج محمدعلی میرزا از ایران ذکر شده بود، دولت ایران موظف بود مقرری سالانه‌ای معادل ۱۰۰/۰۰۰ تومان از طریق بانک استقراضی برای او بفرستد.

این مستمری محمدعلی میرزا همه ساله در اقساط سه ماهه به توسط بانک استقراضی به حساب او در خارج از کشور واریز می‌شد و با همه تلاشهایی که دولت ایران پس از توطئه و تهاجم محمدعلی میرزا طی سالهای ۱۳۲۸ و ۱۳۳۰ قمری به ایران

۱۶. همان.

۱۸. همان، سال ۱۳۳۱ق، کارتن ۵۲، پوشه ۲۳.

۱۹. همان.

برای قطع مستمری او به عمل می‌آورد، تحت فشار دولتهای روس و انگلیس ناگزیر شد باز هم آن مستمری را در حق او کارسازی نماید.^{۲۰} و این مستمری تا هنگام انقلاب روسیه شوروی کماکان در حق محمدعلی میرزا برقرار بود و بانک استقراضی با سیطره‌ای که بر گمرکات شمالی ایران داشت، بدون مواجه شدن با مشکل مهمی این کار را انجام می‌داد. از زمانی که انقلاب شوروی رخ داد بانک استقراضی در پرداخت مقرری سالانه محمدعلی میرزا با مشکل مواجه شد و به دنبال آن محمدعلی میرزا با استمداد به انگلیسیها، تقاضا کرد از آن پس بانک شاهنشاهی کار پرداخت مستمری او را عهده‌دار شود.^{۲۱}

از دیگر کسانی که در پی خروج محمدعلی میرزا از کشور، دولت ایران در حق او مقرری تعیین نمود سالارالدوله برادر محمدعلی میرزا بود که پس از خروج از کشور در حمایت از برادرش محمدعلی میرزا چندین بار خاک ایران را مورد تعرض قرارداد اما باز هم مقرری وی قطع نشد و بانک استقراضی مستمری اختصاص داده شده به او را در موعد مقرر به حساب وی واریز می‌کرد. درباره مدت زمانی که دولت ایران به او مستمری می‌داد اطلاع دقیقی نداریم. اما می‌دانیم که وقتی در سال ۱۳۳۲ به دلایل عمدتاً مالی مستمری وی چندی به عهده تعویق افتاد به سفارت روس شکایت برده خواستار تسریع در پرداخت مطالبات عقب افتاده خود شد و سفارت روس نیز در سلخ جمادی‌الثانی ۱۳۳۲ طی نامه‌ای از اولیای دولت مرکزی ایران خواست تا به بانک استقراضی اجازه دهند از عایدات گمرکات شمالی، که به آن بانک واریز می‌شد، در موعد مقرر نسبت به پرداخت مستمری سالارالدوله اقدام کند.^{۲۲} درباره پاسخ احتمالی دولت ایران به این خواسته روسها اطلاعی در دست نیست.

بحران مالی دولت و مذاکرات قرضه (۱۳۲۷ق)

فاتحان تهران، که بلافاصله با عزل و خلع محمدعلی شاه از سلطنت قدرت را در دست گرفتند، از همان آغاز دچار بحران مالی شدند. در واقع، بحران مالی میراث

۲۰. قهرمان میرزا سالور (عین السلطنه). خاطرات عین السلطنه. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران، اساطیر، ۱۳۷۷. ج ۵، ص ۳۶۳۵.

۲۱. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند: ۱۵۰۶۶-ن.

۲۲. همان، سند ۱۳۹۲۸۶-ن.

دوره‌های پیشین بود و آشفتگیها و ناآرامیهای سیاسی دوران استبداد صغیر بر این مشکلات بسیار افزوده بود.^{۲۳} بدین ترتیب، پس از مدتی مجموعه تصمیم‌گیرندگان رژیم جدید مشروطه^{۲۴} برای پرداخت تعهدات و هزینه‌های جاری کشور و به دست آوردن پول، خود را از مراجعه به بانکهای استقراضی و شاهنشاهی ناگزیر دیدند.^{۲۵} با این حال، از اینکه اقدامی برای اخذ وام از بانکهای مذکور صورت بگیرد اولیای امور درصدد برآمدند امکان کسب پول از برخی منابع داخلی را بیازمایند که، در این میان، اخذ اجباری وجوهاتی از برخی رجال و متنفذان کشور، که گمان می‌رفت با رژیم جدید کمتر سرسازگاری نشان می‌دهند، بیش از هر اقدام دیگری مورد توجه قرار گرفت. از جمله مهم‌ترین کسانی که رژیم جدید مشروطه برای اخذ پول او را سخت تحت فشار قرار داد مسعود میرزا ظل‌السلطان بود^{۲۶} که گفته می‌شد از سالها قبل بدان سو ثروت و مکنت سرشاری اندوخته بود.^{۲۷} بدین ترتیب، ظل‌السلطان با پرداخت ۶۰/۰۰۰ لیره از تعقیب فاتحان تهران در امان ماند و اجازه یافت از کشور خارج شود.^{۲۸}

افراد دیگری نیز جهت پرداخت پول از سوی حکومت جدید تحت تعقیب قرار گرفتند و مبالغی پول از آنان دریافت شد که جهت اجتناب از اطلاع کلام از ذکر نامهای آنان خودداری می‌شود.^{۲۹} اما اولیای امور خیلی زود دریافتند که اخذ مبالغی از این نوع چاره‌ساز مشکلات پرشمار مالی دولت نخواهد بود و گریزی از اخذ وام خارجی وجود ندارد. بدین ترتیب، دولت ایران برای اخذ وام با سفارتهای روس و انگلیس در تهران وارد مذاکره شد.^{۳۰} البته دولت جهت اخذ هرگونه وامی از کشورهای روس و انگلیس و یا هر منبع دیگری به کسب اجازه از مجلس شورای ملی نیاز داشت و تا هنگام تأسیس مجلس جدید هم مدتی وقت لازم بود.^{۳۱} با اینکه مجلس دوره دوم شورای ملی در دوم ذی‌عقده

۲۳. صادق صادق، همان، مجموعه دوم، ص ۱۰۲.

۲۴. لازم است یادآوری شود که پس از فتح تهران مجمعی متشکل از سران مشروطیت تحت عنوان «کمسیون فوق‌العاده» تا قوام یافتن امور کشور عهده‌دار اجرای وظایف دولت و تا حدی مجلس شورای ملی شد.

۲۵. فیروز کاظم‌زاده، همان، ص ۵۲۸. ۲۶. کتاب آبی، همان، ص ۷۳۴.

۲۷. صادق صادق، همان، مجموعه دوم، صص ۱۰۳-۱۰۴. ۲۸. کتاب آبی، همان، ص ۷۴۴.

۲۹. صادق صادق، همان، مجموعه دوم، ص ۱۰۴؛ و فیروز کاظم‌زاده، همان، ص ۵۲۸.

۳۰. فیروز کاظم‌زاده، همان، صص ۵۲۸-۵۲۹.

۳۱. محمد مهدی شریف‌کاشانی. واقعات اتفاقیه در روزگار. به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان.

تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲. ج ۳، صص ۸۶۷-۸۶۸.

۱۳۲۷ افتتاح شد،^{۳۲} اما کمیسیون مالی در تلاش بود، تا قبل از آغاز به کار مجلس، قرضه مورد نیاز را از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی به دست آورد.^{۳۳} کمیسیون پروگرامی که در ۱۸ شوال ۱۳۲۷ تشکیل شد، برحسب زمانی، نیاز دولت به سه فقره وام را اعلام کرد. تا هنگام تأسیس مجلس مذاکرات دولت ایران با نمایندگان سیاسی روس و انگلیس در تهران درباره وام به نتیجه مشخصی نرسید.^{۳۴} اما پس از تشکیل مجلس، وثوق الدوله وزیر مالیه لزوم اخذ وامی به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ لیره از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی و نیز تثبیت قروض جاری کشور به این دو بانک را به اطلاع نمایندگان دوره دوم مجلس شورای ملی رسانید.^{۳۵} و به رغم مخالفت شدید دموکراتها در مجلس با اخذ هرگونه وامی از دو کشور روس و انگلیس، علاءالسلطنه وزیر امور خارجه وقت در ۲۹ ذیقعده ۱۲/۱۳۲۷ دسامبر ۱۹۰۹ از سفارتهای روس و انگلیس درباره امکان اعطای وام کافی به دولت ایران استفسار نمود. در این میان، برخی از اولیای امور دولت ایران و نیز نمایندگان مجلس شورای ملی توصیه می‌کردند که وام مورد نیاز از منبع خارجی دیگری تهیه شود.^{۳۶} در همان حال، مجلس شورای ملی نیز جهت تهیه پول از منابع داخلی درصدد برآمد به برخی از مالیاتها نظیر مالیات نمک بیفزاید.^{۳۷} پیش از آن و قبل از افتتاح جلس دوم که دولت ایران برای پرداخت هزینه‌های جاری خود دچار بحران مالی بود و از سوی دیگر طرح اخذ وام از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی هم هنوز مراحل اولیه خود را طی می‌کرد و گفته می‌شد که احساسات و اذهان عمومی هم چندان رغبتی به اخذ وام بیشتر از بانکهای مذکور نشان نمی‌دهند، روزنامه تایمز طی مقاله‌ای که در ۱۲ رمضان ۲۷/۱۳۲۷ سپتامبر ۱۹۰۹ به چاپ رسانید، ضمن اشاره به مشکلات پرشمار مالی دولت ایران، لزوم اخذ وام خارجی را یادآور شده با بر شمردن میزان قروض ایران به بانکهای شاهنشاهی و استقراضی و سایر مخارج دولت اظهار عقیده نمود که هرگاه این وام پیشنهادی مورد توجه اولیای امور ایران قرار گیرد علاوه بر اینکه مشکلات مالی

۳۲. حسن تقی‌زاده. مقالات تقی‌زاده. به کوشش ایرج افشار. تهران، شکوفان، ۱۳۳۵. ج ۵، صص ۱۵-۱۶.

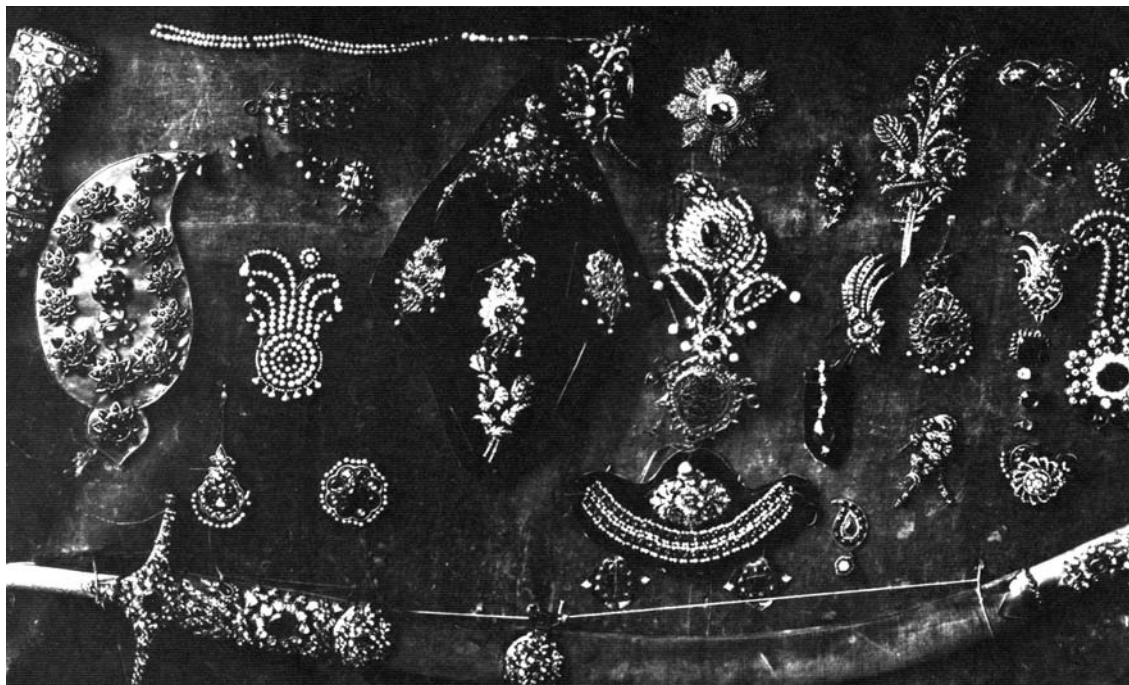
۳۳. محمدامین رسول‌زاده. گزارشهایی از انقلاب مشروطیت ایران. ترجمه رحیم رئیس‌نیا. تهران، شیرازه، ۱۳۷۷. ص ۲۸۴.

۳۴. صادق صادق، همان، مجموعه اول، صص ۱۷۸-۱۷۹.

۳۵. کتاب آبی، همان، ج ۴، صص ۷۸۳-۷۸۴.

۳۶. عبدالحسین نوایی. دولتهای ایران از آغاز مشروطیت تا التیماتوم. تهران، بابک، ۱۳۵۵. ص ۱۴۸.

۳۷. حسن تقی‌زاده، همان، ص ۱۶.



جواهرات سلطنتی دورہ قاجاریہ (۱۵۰۴-۱۲۴ط)

کشور را تخفیف خواهد داد، میزان قروض ایران و ربح پرداختی به آن نیز تا حد زیادی کاهش خواهد یافت.^{۳۸}

با تمامی این احوال، کشورهای روس و انگلیس فقط پس از افتتاح مجلس دوم و پیشنهاد قرضه ۵۰۰/۰۰۰ لیره‌ای دولت ایران درباره چگونگی و میزان وامی که می‌توانستند و یا می‌خواستند به دولت ایران بدهند به گفت‌وگو پرداختند. اما گفته می‌شد که این دو کشور در مرحله نخست پرداخت فقط ۴۰۰/۰۰۰ لیره را مورد توجه قرار داده‌اند و سرادواری هم طی تلگرافی به سرچرخ بارکلی سفیر بریتانیا در تهران اعلام آمادگی نمود که هرگاه دولت روسیه ۲۰۰/۰۰۰ لیره به دولت ایران کارسازی کند آن کشور نیز سهمیه ۲۰۰/۰۰۰ لیره‌ای خود را در اختیار دولت ایران قرار خواهد داد.^{۳۹} انگلیسیها از طریق نیکولسن سفیر خود در روسیه اولیای آن کشور را مطلع ساختند که در آن موقعیت دولت بریتانیا چندان تمایلی به پرداخت وامی هنگفت به دولت ایران ندارد. اما ایزولسکی وزیر خارجه روسیه به او گوشزد نمود که مبلغ ۴۰۰/۰۰۰ لیره پیشنهادی انگلیسیها «دردی را دوا نخواهد کرد» و پیشنهاد کرد که این وام ۴۰۰/۰۰۰ لیره‌ای لزوماً باید مقدمه و پیش قسط پرداخت وام بزرگ‌تری باشد.^{۴۰} در سیزدهم دسامبر ۱۹۰۹/۲۹ ذی‌قعدہ ۱۳۲۷ و ثوق‌الدوله و علاء‌السلطنه ضمن ملاقات با سفرای روس و انگلیس در تهران تقاضای اخذ وامی به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ لیره کردند؛ اما اولیای آن دو سفارت در اینکه دولت ایران تا چه حد درباره تضمین باز پرداخت این مبلغ پیشنهادی و چگونگی به مصرف رسانیدن آن دارای طرح و برنامه منظمی است تردید داشتند. با این حال، از دولتهای متبوع خود خواستند نسبت به اعطای وام مورد نیاز به دولت ایران با نظری مثبت بنگرند.^{۴۱}

در همان حالی که دولت ایران برای اخذ وام از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی در تدارک و گفت‌وگو بود در برخی از محافل داخلی مخالفت‌هایی با اخذ این‌گونه وامها ابراز می‌شد و یا تلاشهایی صورت می‌گرفت تا با یافتن سرپلهای اقتصادی دیگری برای اعطای وام به دولت ایران، از فشارهای مضاعف دولتهای روس و انگلیس و نیز بانکهای

۳۸. به نقل از: قهرمان میرزا سالور (عین‌السلطنه)، همان، ج ۴، صص ۳۱۰۹-۳۱۱۱.

۳۹. کتاب آبی، همان، ج ۴، ص ۷۷۷.

۴۰. فیروز کاظم‌زاده، همان، صص ۵۲۸-۵۲۹.

۴۱. کتاب آبی، همان، ج ۴، صص ۷۷۴-۷۷۵.

آنان بر کشور کاسته شود. چنانکه گفته می‌شد، گروههایی از تجار و صرافان کشور برای تشکیل یک کمپانی مالی و اعطای قرضه لازم به دولت ایران اعلام آمادگی کرده بودند.^{۴۲} و نیز برخی از نشریات با درج مطالبی در زینهای اخذ هرگونه وامی از کشورهای روس و انگلیس به تبعات سوئی که تا آن هنگام از اخذ وام از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی متوجه کشور شده بود اشاره می‌کردند و اجحافتی را که این بانکها از قبیل این وامها در حق مردم دولت ایران روا می‌داشتند یادآور می‌شدند و در مورد تداوم این وضعیت به اولیای امور هشدار می‌دادند.^{۴۳}

مورگان شوستر هم، که در سال ۱۳۲۹ قمری در رأس خزانه‌داری کل ایران قرار گرفت، درباره تسعیر دلخواهانه نرخ منات به توسط بانک استقراضی به هنگام دریافت اقساط وامهایش از دولت ایران نظر مشابهی دارد.^{۴۴}

بدین ترتیب، طی سال ۱۳۲۷ق/۱۹۰۹ میلادی دولت ایران موفق به اخذ هیچ‌گونه وامی از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی نشد و ادامه مذاکرات با اولیای این بانک و نمایندگیهای سیاسی دولتهای روس و انگلیس در تهران در سال ۱۳۲۸ق دنبال شد.

مذاکرات قرضه در سال ۱۳۲۸ق/۱۹۱۰م

در حالی که انگلیسیها با دادن هرگونه وام سنگینی به دولت ایران آشکارا مخالفت می‌کردند، روسها برای چنین امری چندان مانعی پیش روی خود نمی‌دیدند و عقیده داشتند که هرگاه دولت ایران تضمین کافی برای بازپرداخت به موقع این قروض ارائه دهد آن دو دولت باید نسبت به برآوردن نیازهای مالی آن کشور اقدام لازم به عمل آورند.^{۴۵} در همان حال، دولت ایران، که طی ماههای پایانی سال ۱۳۲۷ق پیشنهاد قرضه‌ای کافی به این دو کشور داده بود، منتظر پاسخ این دو کشور بود.^{۴۶} ایزولسکی وزیرخارجه روسیه در ۳۰ ژانویه ۱۹۱۰ آمادگی دولت متبوع خود را برای پرداخت قرضه‌ای مشترک با انگلیسیها به مبلغ ده میلیون فرانک به دولت ایران اعلام کرده

۴۲. روزنامه ایران نو، س ۱، ش ۵۶، ۱۸ شوال ۱۳۲۷، ص ۳.

۴۳. همان، س ۱، ش ۸۴، ۲۴ ذیقعه ۱۳۲۷، ص ۲.

۴۴. مورگان شوستر. اختناق ایران. ج ۲. ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری. به کوشش فرامرز برزگر و اسماعیل رایین. تهران، نگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه، ۱۳۵۱. ص ۳۲۵.

۴۵. کتاب نازنجی. به کوشش احمد بشیری. ترجمه پروین منزوی. تهران، نشر پرواز، ۱۳۶۸. ج ۴، ص ۸۰.

۴۶. کتاب آبی، همان، ج ۴، ص ۸۰۹.

خاطر نشان ساخت که هرگاه توافقات اولیه این قرضه بین دو طرف صورت گیرد بانک استقراضی پیش قسطی به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ فرانک در اختیار دولت ایران قرار خواهد داد.^{۴۷} سفرای روس و انگلیس هم پس از مدتی مذاکره برای دادن وامی به مبلغ ۴۰۰/۰۰۰ لیره (معادل ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ فرانک) به توافق رسیدند. آن دو سفارت، که برای این اقدام خود تعلیمات لازم را از وزارت خارجه دولت متبوع خود دریافت کرده بودند به دولت ایران شرط کردند که این وام فقط در صورتی داده خواهد شد که آن دو سفارت، در چگونگی هزینه شدن آن نظارت و کنترل داشته باشند: مشاوران مالی از کشور فرانسه دعوت شود و جهت سروسامان دادن به امور مالی کشور به استخدام دولت ایران درآیند، مبالغی کلی از آن وام برای امور امنیتی و انتظامی کشور هزینه شود و دولت ایران در اعطای امتیاز راه آهن دولتهای روس و انگلیس را در اولویت قرار دهد.^{۴۸} اما برخلاف انتظار سفارتهای روس و انگلیس، دولت ایران تحت فشار افکار عمومی و مخالفتی که در مجلس شورای ملی صورت می‌گرفت،^{۴۹} با این شرط دولتی موافقت نکرد.^{۵۰}

پوکلوسکی وزیرمختار روسیه در تهران در گزارشی که در همین باره برای اولیای وزارت امور خارجه دولت متبوع خود فرستاد، به مخالفت‌های گسترده‌ای اشاره کرد که در داخل و نیز بیرون از مجلس شورای ملی با هرگونه استقراض خارجی صورت می‌گرفت و دولت وقت را به خاطر تلاشی که برای اخذ وام از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی انجام می‌داد سرزنش می‌کردند.^{۵۱}

پوکلوسکی در یکی از گزارشهای خود به وزارت خارجه روسیه که در تاریخ ۲۰ فوریه ۱۹۱۰ فرستاده شده، به ناآرامی‌هایی که در سطح جامعه به خاطر مذاکرات وام بین ایران و کشورهای روس و انگلیس بروز کرده بود اشاره می‌کند.^{۵۲}

در همان حال، اخباری منتشر می‌شد حاکی از اعلام آمادگی برخی از تجار و پیشه‌وران و سایر اقشار کشور برای جمع‌آوری پول لازم و اجتناب از اخذ هرگونه وام

۴۷. کتاب نارنجی، همان، ص ۲۱.

۴۸. همان، صص ۳۵-۳۶؛ کتاب آبی، همان، ج ۴، صص ۸۱۸-۸۱۹؛ و مهدی‌قلی هدایت، همان، ص ۲۵۰.

۴۹. کتاب نارنجی، همان، صص ۴۱-۴۳؛ و کتاب آبی، همان، ج ۴، صص ۸۱۴-۸۱۵.

۵۰. کتاب آبی، همان، ج ۴، صص ۸۱۴.

۵۱. کتاب نارنجی، همان، صص ۹۰-۹۱.

۵۲. همان، صص ۴۶-۴۷.

خارجی (به ویژه از کشورهای روس و انگلیس).^{۵۳} با توجه به چنین مخالفت‌هایی آشکار بود که در آن مقطع اولیای امور ایران چاره‌ای جز رد کردن پیشنهادهایی که از سوی دولتهای روس و انگلیس درباره شرایط اعطای وام ارائه شده بود، نداشتند. به همین دلیل طی یادداشتی به آن سفارتخانه‌ها، ضمن انتقاد از شروط سنگینی که آن دو دولت برای اعطای وام پیشنهاد کرده بودند امکان اخذ هرگونه وامی با آن شرایط را منتفی دانستند.^{۵۴}

روس و انگلیس هم، که از برخی از کانالهای غیررسمی از امکان اخذ وامی از کشورهای ثالث نظیر آلمان آگاهی‌هایی به دست آورده بودند در ۲۵ مارس ۱۹۱۰ طی یادداشتی به دولت ایران اعلام کردند که هرگاه دولت ایران طرح اخذ وام از دولتهای روس و انگلیس را منتفی دانسته به منبع خارجی دیگری روی آورد لزوماً باید تضمین‌هایی کافی برای بازپرداخت به موقع قروضی که تا آن هنگام از سوی بانکهای شاهنشاهی و استقراضی بر ذمه آن دولت بود ارائه دهد و از اعطای هرگونه امتیاز سیاسی‌ای که منافی مصالح و خواسته‌های آن کشورها در ایران باشد اجتناب ورزد.^{۵۵}

در حالی که مخالفت‌های عمومی با اخذ هرگونه وامی از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی مذاکره میان دولت ایران با سفارتهای روس و انگلیس را دچار مشکل کرده بود اولیای امور طرح اخذ وام کافی از یک سندیکای بین‌المللی را مورد توجه قرار دادند. گفته می‌شود که سندیکای بین‌المللی فوق در ازای پرداخت وامی به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ لیره دولت ایران را متعهد می‌ساخت تا از طریق برخی از عایدات دولتی و نیز سهامی که در شرکت نفت بختیاری داشت، بازپرداخت به موقع اقساط این وام را تضمین کند.^{۵۶}

پاکلوسکی وزیرمختار روسیه در تهران ضمن ارسال خبر فوق به وزارت امور خارجه دولت متبوع خود نسبت به موضعگیری آن سفارت در برابر این اقدام دولت ایران توضیح خواست. وزیر خارجه روسیه نیز در ۲۷ فوریه ۱۹۱۰ به پاکلوسکی دستور داد ضمن اشاره به تعهداتی که طی سال ۱۹۰۰م دولت ایران به بانک استقراضی سپرده است مراتب مخالفت روسیه را با اخذ هرگونه وامی از سندیکای بین‌المللی اعلام کند.^{۵۷}

۵۳. صادق صادق، همان، مجموعه دوم، صص ۲۸۵-۲۸۶.

۵۴. همان، صص ۱۳۲-۱۳۳ و کتاب نارنجی، همان، صص ۹۱-۹۲.

۵۵. کتاب نارنجی، همان، صص ۹۲-۹۳.

۵۶. همان، ص ۵۵.

۵۷. همان، ص ۵۷.

سفیر روسیه نیز طی یادداشتی که برای دولت ایران فرستاد نسبت به اخذ وام از سندیکای بین‌المللی هشدار داده آن را منافی شروطی دانست که در طی قرارداد وامهای سال ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ میان دولت ایران و بانک استقراضی ذکر شده بود.^{۵۸}

دولت ایران نیز در پاسخی که برای سفارت روس در تهران فرستاد، با تأکید بر اینکه ایران هیچ‌گونه قصدی برای محدود کردن منابعی که برای بازپرداخت اقساط وامهایش به بانک استقراضی اختصاص داده شده است ندارد و نیز مصالح آن کشور و انگلستان را در ایران در نظر خواهد گرفت، اشاره کرد که دولت ایران جهت چگونگی بهره‌گیری از سایر منابع اقتصادی و عایداتی و نیز در گرو گذاردن آن برای اخذ وامهایی از منابع ثالث خود را نیازمند به کسب اجازه از دولتهای روس و انگلیس نمی‌داند. در برابر این موضعگیری دولت ایران، سفیر روسیه در تهران از وزارت خارجه دولت متبوع خود درباره لزوم اعمال فشار بیشتر بر دولت ایران برای اجتناب از اخذ وام از سندیکای بین‌المللی استفسار کرد.^{۵۹} پس از موافقت وزارت خارجه روسیه با این پیشنهاد، سفیران روس و انگلیس طی ملاقات با وزیر خارجه ایران یادآوری کردند تا هنگامی که مذاکره دولت ایران با آن دو سفارت درباره استقراض ۴۰۰/۰۰۰ لیره‌ای مذکور در جریان است و نیز دولت ایران جهت بازپرداخت به موقع اقساط قروض سالهای ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ میلادی از بانک استقراضی اقدامی کافی به عمل نیاورد آن دو دولت با اخذ هرگونه وامی از سندیکای بین‌المللی که ایران درخواست کند، مخالفت خواهند کرد.^{۶۰} دولت ایران نیز طی یادداشتی سفارت روس را آگاه ساخت که اولاً برای اخذ وام از منابع خارجی دیگر نیازی به کسب اجازه از آن کشور ندارد و ثانیاً بازپرداخت اقساط قروض سالهای ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ میلادی بدون برخورد با هیچ مشکلی انجام خواهد گرفت.^{۶۱}

وزیر خارجه روسیه که احساس می‌کرد با هشدارهایی از این نوع نمی‌تواند دولت ایران را از اخذ وام دلخواه از سندیکای بین‌المللی باز دارد به سفیر کشورش در تهران دستور داد تا در هماهنگی با سفیر بریتانیا در تهران به دولت ایران هشدار دهد که فقط در صورتی دولتهای روس و انگلیس با تصمیم ایران دایر به اخذ وام از سندیکای بین‌المللی موافقت خواهند کرد که تعهدات مالی خود نسبت به بانکهای شاهنشاهی و استقراضی

۵۸. همان، صص ۶۴-۶۷. ۵۹. همان، صص ۷۴ و ۷۷.

۶۰. کتاب آبی، همان، ج ۴، صص ۸۳۰-۸۳۲.

۶۱. کتاب نارنجی، همان؛ ج ۴، صص ۸۲-۸۳.

را به انجام رساند و نیز از اعطای هرگونه امتیاز سیاسی - اقتصادی، که منافی با خواسته‌ها و علایق دو کشور روس و انگلیس در ایران باشد، اجتناب ورزد.^{۶۲}

دولت ایران نیز در پاسخ به نامه آن دو سفارتخانه محتوای آن را منافی با استقلال سیاسی کشور اعلام کرده بار دیگر گوشزد ساخت که اولیای امور دولت ایران در اخذ هرگونه وام خارجی نیازی به اجازه آنها ندارند و نسبت به تعهدات مالی کشور به آن دو دولت و قروضی که به ایران داده‌اند تدابیر لازم اندیشیده شده است.^{۶۳} با این حال و پس از بحرانهای مالی فراگیر و به تبع آن مشکلات پیش روی کابینه و مجلس شورای ملی، که برای تهیه پول دچار مشکلاتی بودند، مذاکرات با سندیکای بین‌المللی و نیز دولت‌های روس و انگلیس برای اخذ وام مورد نیاز چندان رضایتبخش نبود و آن دولت‌ها هم تردید داشتند که تا هنگام سرکار بودن کابینه‌هایی با عناصر به اصطلاح تندرو و نمایندگان که در مجلس با این افراد هم‌عقیده بودند، بتوانند وام مورد نظر را در اختیار دولت ایران قرار دهند.^{۶۴} در واقع هم، اعضای دولت ایران، که تا حدی از افراد دارای علایق سیاسی و نیز اقتصادی مختلفی بودند، تصمیم‌گیری نهایی را با مشکل روبه‌رو می‌کردند و سپهدار اعظم رئیس‌الوزراء به جهت اداره کابینه و مشکلات اقتصادی گریبانگیر دولت با مشکلاتی جدی روبه‌رو بود و هنگامی که در ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ آخرین کابینه‌اش را ترمیم کرد^{۶۵} دو دولت مزبور امیدوار شدند که بتوانند اولیای امور را از فکر اخذ وام مورد نیاز از منابع ثالث منصرف سازند و مذاکرات خود را برای دادن وام مورد نظر به دولت ایران ادامه دهند؛^{۶۶} ولی دولت ایران هنوز تا حدی بر موضع پیشین خود اصرار می‌ورزید.^{۶۷} روس و انگلیس هم، که احساس می‌کردند دولت ایران به‌رغم تمام هشدارهایی که داده شده بود هنوز از فکر اخذ یک وام کافی از منابع ثالث منصرف نشده است، درصدد برآمدند برای دادن وام مورد نظر به ایران در شروط پیشین خود تجدید نظر کرده «بدون پیشنهاد کردن هیچ شرطی پلتیکی [پلیتیکی] به دولت ایران» وام بدهند. وزیر خارجه روسیه که این طرح را به انگلیسیها پیشنهاد کرده بود توصیه نمود که آن دو دولت پس از

۶۲. همان، صص ۸۶-۸۷. ۶۳. همان، ص ۸۸؛ و کتاب آبی، همان، ج ۴، صص ۸۳۱-۸۳۲.

۶۴. کتاب نارنجی، همان، صص ۱۰۵-۱۰۸.

۶۵. جمشید ضرغام‌پروجنی. دولتهای عصر مشروطیت. تهران، اداره کل قوانین، ۱۳۵۰. صص ۴۵-۵۱.

۶۶. کتاب نارنجی، همان، ص ۱۰۹.

۶۷. همان، ص ۱۱۶؛ و کتاب آبی، همان، ج ۴، صص ۸۵۸-۸۵۹.

مطالعات لازم هریک مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ لیره در اختیار دولت ایران قرار دهند.^{۶۸} لازم است یادآوری شود که در آن هنگام (جمادی الاول ۱۳۲۸) دولت ایران طرحهایی برای تهیه پول از برخی منابع داخلی نیز تهیه کرده بود و گفته می‌شد که در نظر است با تضمین املاک خالصه و امی به مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ لیره از منابع داخلی تأمین شود.^{۶۹} اما این طرح دولت هرگز عملی نشد و با تسهیلاتی که آن دو دولت برای اعطای وام مورد نظر قائل شده بودند اولیای امور دولت و مجلس شورای ملی بار دیگر طرح اخذ وام از آنها را مورد توجه قرار دادند و پیامهایی به سفارتخانه‌های روس و انگلیس ارسال شد که حاکی از موافقت اولیای امور با اخذ وام از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی بود. علاوه بر این، به آن دو سفارت پیشنهاد شده بود تا نسبت به بازپرداخت اقساط وامهای ایران به آن دو بانک تسهیلاتی به وجود آورند.^{۷۰} با این حال، کابینه سپهدار همواره در تزلزل بود و این امر تصمیم‌گیری نهایی را برای او و کسانی که موافق اخذ وام از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی بودند مشکل می‌ساخت. علاوه بر این، هنوز هم در میان مجلس و نیز اقشار مختلف مردم مخالفت‌هایی با اخذ هرگونه وامی از بانکهای فوق ابراز می‌شد و نشریاتی در رد استقراض خارجی مطالبی منتشر کردند.^{۷۱} اما روس و انگلیس، بدون توجه جدی به این‌گونه مخالفتها، درباره چگونگی اعطای وام مورد نظر به دولت ایران به مذاکرات فیما بین ادامه می‌دادند.^{۷۲} و بار دیگر خود را آماده می‌ساختند تا برای متقاعد کردن اولیای امور دولت ایران به اخذ وام لازم از آن دو کشور به برخی اعمال فشارها دست یازند. دستاویز مورد نظر خیلی زود پدید آمد؛ و آن ناامنیهایی بود که هر دو دولت ادعا داشتند در حوزه‌های نفوذ آنان در شمال و جنوب کشور در جریان است و بستر لازم برای فعالیت اقتصادی و تجاری را از اتباع آنها سلب کرده و، بنابراین، دولت ایران برای تأمین نظم و امنیت لازم در آن نواحی چاره‌ای جز اخذ وام از بانکهای استقراضی و شاهنشاهی نخواهد داشت.^{۷۳}

دولتهای یاد شده برای این اقدام جدید خود دلایل قاطع‌تری داشتند چرا که در آن هنگام آخرین کابینه سپهدار، که تا حدی در برابر خواسته‌های روس و انگلیس انعطاف نشان می‌داد، سقوط کرده و به جای آن کابینه‌ای به ریاست‌الوزرای میرزا حسن خان

۶۸. کتاب آبی، همان، ج ۴، صص ۸۶۲-۸۶۳.

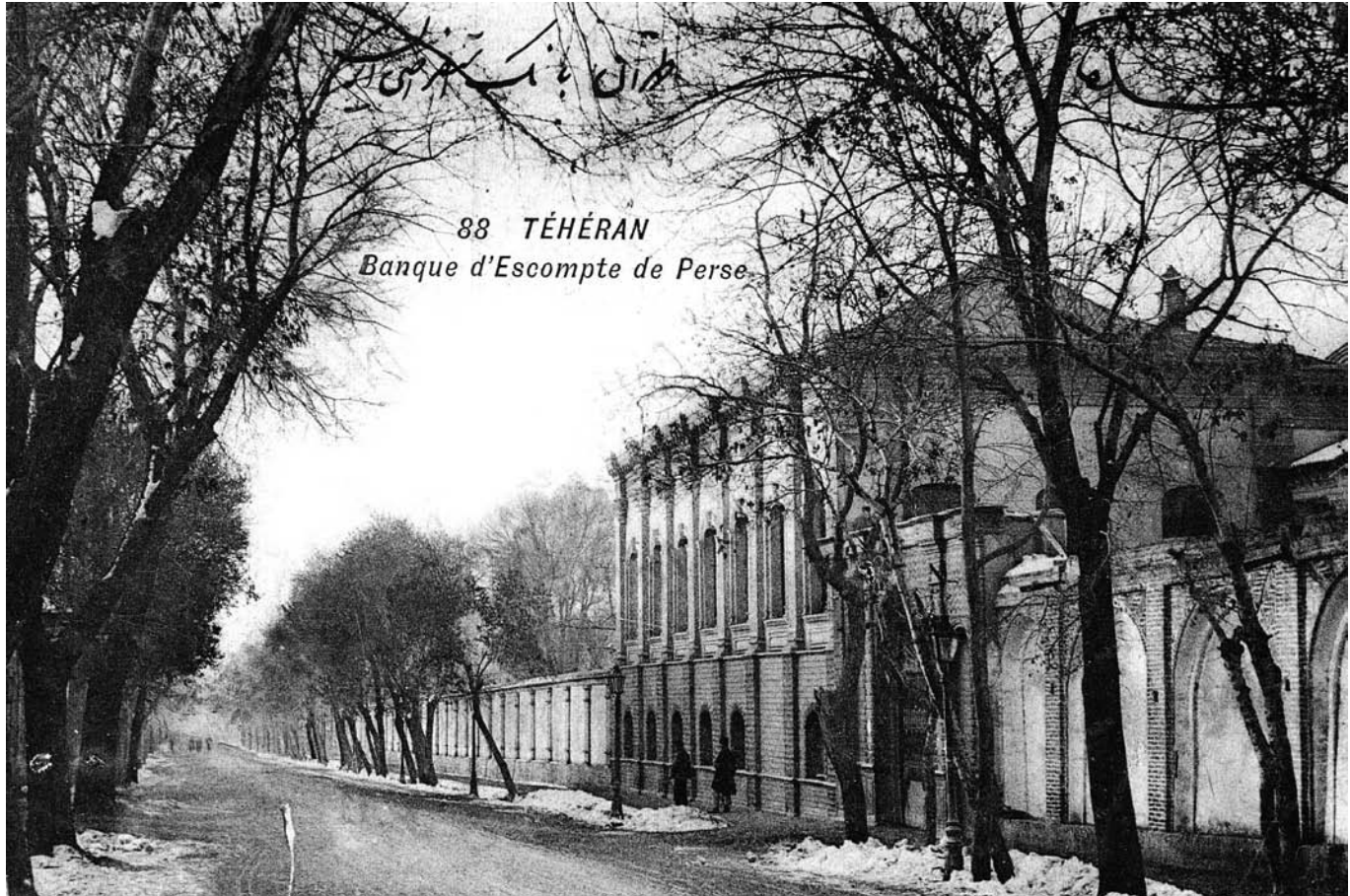
۶۹. همان، صص ۸۵۲-۸۵۳.

۷۰. کتاب نارنجی، همان، صص ۱۲۲-۱۲۳.

۷۱. همان، صص ۱۵۲-۱۵۴.

۷۲. همان، ص ۱۶۰.

۷۳. کتاب آبی، همان، ج ۴، صص ۸۷۶-۸۷۸ و ۹۳۵.



نمای ساختمان بانک استقراضی در طهران [۳۷۹۸-۴]

مستوفی‌الممالک مصدر امور شده بود. شایع بود که این شخص از موضع دموکراتها طرفداری می‌کند و برخی از اعضای اصلی دولت او را نیز اعضای حزب دموکرات تشکیل می‌دادند.^{۷۴} در واقع تا آن هنگام نیز بیشترین مخالفتها با اخذ وام از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی از سوی اعضای همین حزب دموکرات صورت می‌گرفت.^{۷۵} و اینک دولتهای روس و انگلیس، که تردید داشتند این دولت جدید نسبت به خواسته‌های آنان همکاری نشان دهد، برای دادن وام موردنظر فقدان امنیت لازم در بخشهای مختلف کشور را بهانه این اقدام خود ساخته بودند. بدین ترتیب، با موافقت و همراهی دولت روسیه، دولت بریتانیا در ۱۴ اکتبر ۱۹۱۰/۹ شوال ۱۳۲۸ در نامه‌ای شدیدالحن به وزیر خارجه وقت ایران حسینقلی خان نواب هشدار داد که هرگاه تا سه ماه بعد نظم و امنیت لازم در بخشهای جنوبی کشور برقرار نشود، دولت بریتانیا با وارد ساختن نیروی نظامی رأساً به برقراری امنیت اقدام خواهد نمود.^{۷۶} دولت بریتانیا با این اقدام برآن بود تا اولیای امور دولت ایران را به اخذ وامی کافی از روس و انگلیس متقاعد سازد.^{۷۷} اما برخلاف انتظار دولتهای روس و انگلیس، حسینقلی خان نواب وزیر امور خارجه وقت در ۲۱ اکتبر ۱۹۱۰/۱۶ شوال ۱۳۲۸، طی پاسخی تند، مشکلات پیش روی کشور را ناشی از حضور تجاوزکارانه آن دو کشور در ایران ارزیابی کرده سیاستهای دولتهای مذکور را در شکست طرحهای دولت ایران برای حفظ نظم و امنیت و نیز اخذ وام کافی از منابع دلخواه در درجه نخست اهمیت و اعتبار قلمداد نمود.^{۷۸} همزمان با این رخدادها، دولت ایران برای اخذ آن وام به یک کمپانی انگلیسی تحت مدیریت برادران سلیگمن روی آورده بود و اینک برادران سلیگمن آماده بودند تا هرگاه دولت بریتانیا مانعی بر سر مذاکرات آنان ایجاد نکند وام مورد نیاز را در اختیار دولت ایران قرار دهند.^{۷۹} دولت ایران در دهم اکتبر ۱۹۱۰/۵ شوال ۱۳۲۸ از برادران سلیگمن وامی به مبلغ ۱/۲۰۰/۰۰۰ لیره تقاضا کرده بود و درصدد بود با اخذ این وام، علاوه بر پرداخت

۷۴. جمشید ضرغام بروجنی، همان، صص ۵۲-۵۳.

۷۵. منصوره اتحادیه. پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی). تهران، نشر گستره، ۱۳۶۱. صص ۲۷۴-۲۷۵ و ۳۳۵-۳۳۶.

۷۶. عبدالحسین نوایی. ایران و جهان. تهران، هما، ۱۳۷۵. ج ۳، صص ۲۱۷-۲۱۹.

۷۷. روزنامه ایران نو، س ۲، ش ۱۲، ۲ ذیقعد ۱۳۲۸، ص ۲.

۷۸. همان، س ۲، ش ۵۰، ۱۷ ذیحجه ۱۳۲۸، ص ۴؛ و عبدالحسین نوایی، ایران و جهان، همان، ج ۳، صص ۲۱۹-۲۲۱.

۷۹. فیروز کاظم‌زاده، همان، ص ۵۳۴.

تعهدات جاری و عقب افتاده اش به بانکهای شاهنشاهی و استقراضی، مشکلات مالی خود را تخفیف دهد.^{۸۰} سر ادوارد گری وزیر خارجه بریتانیا در پاسخ برادران سلیگمن، که خواستار موضعگیری دولت بریتانیا در قبال این مذاکرات بودند، تصریح کرد که دولت بریتانیا با اصل پرداخت این وام از سوی برادران سلیگمن به دولت ایران ممانعتی نخواهد کرد اما لازمه این موضعگیری بریتانیا کسب موافقت دولت روسیه خواهد بود و، در نهایت، «او [گری] نمی تواند هیچ قراردادی را که مورد موافقت دولت روسیه نباشد تصویب کند.»^{۸۱} گفته می شد که دولت ایران برای جلوگیری از مخالفت روس و انگلیس با این قرضه از گروگذاران عایدات گمرکات و سایر سرپلهای اقتصادی کشور به برادران سلیگمن ها خودداری ورزیده درصدد بود وام اخیر را با وثیقه سپردن بخشی از جواهرات سلطنتی، که ارزش تقریبی آن ۷۵۰/۰۰۰ لیره تخمین زده، می شد تضمین نماید.^{۸۲}

اما برخلاف انتظار دولت ایران و برادران سلیگمن، دولت روسیه تزاری به دولت بریتانیا اطلاع داد که با مذاکرات دولت ایران و برادران سلیگمن مخالف است و «اعطای وامی هنگفت به ایران از طرف منابع انگلیسی مایه اضطراب آن دولت خواهد شد.»^{۸۳} بدین ترتیب، انگلیسیها نیز که چندان تمایلی به حمایت از سلیگمن ها نداشتند به آنان اطلاع دادند که دولت ایران جهت دریافت وام کافی با بانک شاهنشاهی در حال مذاکره است و دولت آن کشور ترجیح می دهد دولت ایران از بانک مذکور وام بگیرد.^{۸۴} با این موضعگیری دولت بریتانیا، برادران سلیگمن به ناچار مذاکرات خود با اولیای دولت ایران را قطع کرده، ضمن انتقاد از سیاست انگلیس،^{۸۵} به دولت ایران اطلاع دادند که تا به وجود آمدن موقعیت مساعد پرداخت وام به آن کشور برای آنان مقدور نخواهد بود.^{۸۶} مور، نماینده برادران سلیگمن، در مذاکرات وام با دولت ایران نیز طی یادداشتی به وزارت امور خارجه ایران اطلاع داد که، در نتیجه مخالفتهای دولت بریتانیا، برادران سلیگمن از طرح اعطای وام به دولت ایران منصرف شده اند.^{۸۷}

۸۰. همان، ص ۵۳۴. ۸۱. همان، ص ۵۳۴؛ و کتاب آبی، همان، ج ۴، ص ۹۴۳.

۸۲. پیتراوری. تاریخ معاصر ایران، ج ۲. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی. تهران، چاپخانه حیدری، ۱۳۶۹. ج ۱، صص ۲۷۰-۲۷۱. ۸۳. فیروز کاظم زاده، همان، ص ۵۳۴.

۸۴. همان، ص ۵۳۵. ۸۵. همان.

۸۶. مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۸ ق، کارتن ۳۴، پوشه ۲.

۸۷. همان.

بدین ترتیب، با مخالفت‌های روس و انگلیس، مذاکرات دولت ایران با برادران سلینگمن در اواسط شوال ۱۳۲۸/ اکتبر ۱۹۱۰ متوقف شد.^{۸۸}

از دیگر اقدامات دولت ایران برای به دست آوردن پول، مذاکره با آلمان بود. آلمانیها، که طی دوران مشروطه اول تلاش آنان برای ایجاد بانک در ایران و نیز دادن وامی به دولت ایران بر اثر سعایتها و مخالفت‌های دولتهای روس و انگلیس با شکست روبه‌رو شده بود، در سال ۱۳۲۸ قمری بار دیگر برای دادن وام و نیز تأسیس بانک در ایران اعلام آمادگی کردند. در آن هنگام (۱۹۱۰ میلادی) رقابت آلمان با کشورهای روس و انگلیس در بخشهای مختلف جهان امری آشکار بود و طی چهار سالی که تا ۱۹۱۴ به بروز جنگ انجامید، هر دو طرف دوران پرتنش را پشت سر گذاشتند. بنابراین، حضور آلمان در آن اوضاع بحرانی در عرصه سیاسی - اقتصادی ایران به هیچ شکلی نمی‌توانست از طرف روس و انگلیس با نظر مساعد نگریسته شود؛ به ویژه اینکه گفته می‌شد آلمانیها قصد دارند با گسترش خط آهن برلن - بغداد تا نواحی غربی و سپس مرکزی ایران حضور جدی‌تر سیاسی و نیز نظامی در ایران پیدا کنند.^{۸۹} و این طرح البته، در آینده‌ای نه چندان دور، رویارویی دو طرف در عرصه ایران را به صورت حادثه‌تری موجب می‌شد.^{۹۰}

دولتهای روس و انگلیس، که از کانالهای غیررسمی از این اخبار مطلع شده بودند، طی یادداشتی به دولت ایران نسبت به اخذ هرگونه وامی از دولت آلمان هشدار داده تصریح کردند که فقط هنگامی با اخذ این وام موافقت خواهند کرد که قرار ثابتی برای بازپرداخت به موقع قروض بانکهای شاهنشاهی و استقراضی گذارده شود و نیز «هیچ امتیازی که ممکن است مضر بر مصالح پلتیکی [پلیتیکی] و نظامی دولتین در ایران باشد به اتباع دول دیگر ندهد». متعاقب این یادداشت نیز سرادوردگری در ۲۱ مه ۱۹۱۰/۲۴ جمادی‌الاول ۱۳۲۸ طی تلگرافی به مارلینگ سفیر بریتانیا در تهران دستور داد همراه با سفیر روس وزیر خارجه ایران را ملاقات کرده و تأکید کنند که «در آن مراسم مقاصد تغییر ناپذیر دولتین تصریح شده و اگر دولت ایران آنها را نپذیرد مجبور خواهند شد که برای حفظ مصالح و منافع خود اقدامات نمایند و دیگر آنکه دولتین انتظار جوابی ندارند.»^{۹۱}

۸۸. پیتراوری، همان، ج ۱، ص ۲۷۱.

۸۹. روزنامه ایران نو، س ۲، ش ۱۰۸، سوم ربیع‌الثانی ۱۳۲۹، ص ۲.

۹۰. روزنامه‌جبل‌المتین، س ۱۸، ش ۲۱، ۱۸ ذی‌قعدة ۱۳۲۸، صص ۳-۸.

۹۱. کتاب آبی، همان، ج ۴، صص ۸۴۶-۸۴۹.

سفارت‌های روس و انگلیس در دهم جمادی‌الاول ۱۳۲۸/۷ مه ۱۹۱۰ طی یادداشتی به دولت ایران در مورد دادن هرگونه امتیازی به کشورهای ثالث (منظور آنها در آن مقطع آلمان بود) هشدار داده بودند.^{۹۲}

چند روز پس از ارسال این یادداشت، آنها روس و انگلیس از طریق برخی مقامات دولت ایران اطلاع پیدا کردند که دولت ایران هیچ‌گونه قصدی مبنی بر واگذاری امتیازاتی سیاسی و استراتژیک به کشور ثالث نداشته و ندارد و به نوعی به آنان هشدار دادند که جهت جلوگیری از اقدامات احتمالی از این نوع خود دولتهای روس و انگلیس در اعطای وامی با شرایط آسان‌تر به ایران پیشقدم شوند.^{۹۳} با این حال، نگرانی روس و انگلیس از احتمال اخذ وام از آلمانیها و در مقابل اعطای امتیازاتی در زمینه راه‌آهن و غیره به آن کشور تا مدتها بعد هنوز باقی بود؛ به ویژه اینکه پس از روی کار آمدن کابینه مستوفی، که گفته می‌شد روابط او با آلمانیها بیش از پیش گسترش خواهد یافت، این نگرانیها بیشتر نمود یافت. در پاسخ به این نگرانیها و نیز هشدارهایی که سفارت‌های روس و انگلیس به دولت ایران می‌دادند، حسینقلی خان نواب وزیر امور خارجه وقت در ۲۸ شعبان ۱۳۲۸ طی مراسلاتی به آن دو سفارت اطمینان داد که دولت ایران امتیازی که مغایر با منافع و مصالح آن دو کشور باشد به دولت ثالثی نخواهد داد.^{۹۴} در همان حال، روزنامه‌های انگلیسی و روسی طی مقالات مبسوطی سیاست آلمان در گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی‌اش در ایران را نکوهش کرده هدف نهایی آلمانیها از این‌گونه اقدامات را مقابله با روس و انگلیس ارزیابی می‌کردند و به آلمانیها در مورد اینکه وامی در اختیار دولت ایران قرار دهند و یا بانکی در ایران تأسیس کنند و امتیازات دیگری نظیر ساخت راه‌آهن از ایران بگیرند هشدار می‌دادند.^{۹۵}

با تمام این احوال و به‌رغم این موضعگیریهای سیاسی رسمی، گفته می‌شد که دولت ایران هنوز به مذاکره برای اخذ وامی از آلمانیها ادامه می‌دهد؛ و به ویژه، صنایع‌الدوله وزیر مالیه وقت برای کسب وام از آلمان و تأسیس بانک آلمان در تهران و نیز اعطای امتیاز راه‌آهن غرب ایران به آن کشور با برخی از مقامات و نمایندگان آلمان به توافقاتی دست

۹۲. مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۸ق، کارتن ۳۴، پوشه ۲.

۹۳. کتاب نارنجی، همان، ج ۴، ص ۱۲۲.

۹۴. مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۸ق، کارتن ۳۴، پوشه ۲.

۹۵. مارتین. جی. برادفورد. تاریخ روابط ایران و آلمان. ترجمه پیمان آزاد و علی امید. تهران، مؤسسه پیک ترجمه و نشر، ۱۳۶۸، صص ۱۹۸-۲۰۹ و قهرمان میرزا سالور (عین‌السلطنه) همان، ج ۵، صص ۳۲۳۹-۳۲۴۵.

یافته بود^{۹۶} و بدین ترتیب هشدارهای مکرر دولتهای یاد شده نادیده گرفته می شد.^{۹۷} به همین دلیل وقتی صنایع الدوله به توسط دو تن از اتباع روسیه به قتل رسید بیشتر ناظران وقت قتل وی را با اقداماتی که برای نفوذ آلمانیها در ایران انجام می داد مرتبط دانستند و از جمله «رسول زاده نویسنده معروف روزنامه ایران نو گفته بود اگر دو ساعت دیرتر او را کشته بودند لایحه اعطای امتیاز راه آهن طهران تا بغداد به بانک شرقی آلمان تهیه شده بود.»^{۹۸}

شواهد و قراین موجود نیز این گفته را تأیید می کرد.^{۹۹} با قتل صنایع الدوله به دست اتباع روسیه تزاری در ششم صفر ۱۳۲۹^{۱۰۰} طرح اخذ وام از آلمان و نیز اعطای برخی امتیازات اقتصادی و غیره به آن کشور به عهده تعویق افتاد.

بدین ترتیب، آشکار بود که دولتهای روس و انگلیس برای کارشکنی و جلوگیری از طرح دولت ایران در اخذ وام از هر منبع خارجی ثالثی از هیچ اقدامی فروگذار نخواهد کرد؛ چنانکه طی سال ۱۳۲۸ قمری تلاش ایران برای اخذ وامی از یک سندیکای بین المللی تحت فشار دو دولت روس و انگلیس عقیم ماند؛ مذاکرات قرضه با برادران سلینگمن باز هم با مخالفت دو کشور مذکور مسکوت ماند و سرانجام هم آلمانیها در دادن وام به دولت ایران ناکام ماندند. این گونه اقدامات خلاف رویه دو کشور روس و انگلیس مخالفتهای زیادی از سوی اقشار مختلف مردم در پی داشت که به انحاء مختلف نسبت به دخالت و تجاوز آن دو کشور اعتراض و انتقاد می کردند. از جمله، نشریات مختلف فارسی زبان، که از منافع دولت ایران حمایت می کردند، با درج مطالب مبسوطی نسبت به دخالتهای ناروای دولتهای روس و انگلیس در امور داخلی ایران اعتراض می نمودند و دولتمردان آن کشور را به خاطر اجحافی که در حق مردم ایران روا می داشتند شماتت می کردند.^{۱۰۱} در همان حال، گروهی از ایرانیان اعتراضیه ای درباره

۹۶. ابراهیم صفایی. زمینه های اجتماعی کودتای ۱۲۹۹. تهران، شرکت افست، ۱۳۵۳. صص ۹۸-۹۹.

۹۷. قهرمان میرزا سالور (عین السلطنه)، همان، ج ۴، ص ۳۱۱۸.

۹۸. عبدالحسین نوایی، ایران و جهان، همان، ص ۱۹۶.

۹۹. مهدی قلی هدایت، همان، ص ۲۶۴؛ و هاشم محیط مافی. مقدمات مشروطیت. به کوشش مجید تفرشی و جواد جانفدا. تهران، فردوسی، ۱۳۶۳. صص ۱۷۴-۱۷۵.

۱۰۰. مهدی قلی هدایت، همان، ص ۲۶۴.

۱۰۱. روزنامه جل المین، س ۱۸، ش ۱۸، ۲۷ شوال ۱۳۲۸، صص ۱-۴؛ همان، س ۱۸، ش ۱۹، ۴ ذی قعدة ۱۳۲۸،

صص ۱-۳ و همان، س ۱۸، ش ۲۴، ۹ ذی حجه ۱۳۲۸، ص ۱۰.

تجاوز کاریها و دخالت‌های ناروای روس و انگلیس در امور داخلی ایران خطاب به ملت‌های آزاده جهان و پارلمان‌های عالم منتشر ساختند.^{۱۰۲}

با تمام این احوال، در نهایت، روس و انگلیس تا ماه‌های پایانی سال ۱۳۲۸ قمری تنها منابع تأمین قرضه برای دولت ایران باقی ماندند.

چنانکه پیش از این هم ذکر شد، با تلاش انگلیس و نیز روسیه، برادران سلیگمن طرح دادن وامی به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ لیره به دولت ایران را معوق گذاردند و از همان زمان دولت انگلیس وعده داد که از طریق بانک شاهنشاهی قرضه لازم را برای دولت ایران تأمین خواهد کرد. اما، در این میان، دولت روسیه که دادن هرگونه وام انحصاری از سوی انگلیسیها به دولت ایران را برنمی‌تابید به انگلیسیها هشدار داد که در موضوع دادن وام به دولت ایران، بدون رضایت آن کشور، به هیچ اقدامی دست نزنند. گفته می‌شد که طی ماه‌های پایانی سال ۱۹۱۰م روابط روس و انگلیس تا حدی به تیرگی گراییده بود و برخی از وزرای روسی طرفدار انگلیس نظیر ایزولسکی از سمت خود کنار رفته و به جای وی سازونوف به وزارت امور خارجه روسیه منصوب شده بود که سیاستی ضدانگلیسی داشت و حتی درصدد بود با آلمانیها دربارهٔ اخذ امتیاز راه آهن بغداد تا تهران همراهی نشان دهد.^{۱۰۳} بانک شاهنشاهی در ۱۶ جمادی‌الاول ۱۳۲۸ مطالبات و قروض مختلف خود از دولت ایران را یک کاسه کرده بود^{۱۰۴} و اینک درصدد بود انحصاراً وامی به مبلغ ۱/۲۵۰/۰۰۰ لیره در اختیار دولت ایران قرار دهد.

اما دولت روسیه تهدید می‌کرد که اعطای این وام اثر ناخوشایندی در سیاست روسیه در ایران برجای خواهد نهاد و خروج نظامیان آن کشور از ایران را تا مدتی نامعلوم به تعویق خواهند انداخت. دولت روسیه، که احساس می‌کرد بانک شاهنشاهی با اعطای این وام به دولت ایران بر حریف روسی‌اش بانک استقراضی پیشی خواهد گرفت، در نهایت شرط کرد که آن دولت فقط هنگامی با اعطای این قرضه موافقت خواهد کرد که قروض متعدد دولت ایران به بانک استقراضی یک کاسه شود. بدین ترتیب، درحالی که گفته می‌شد پیش‌نویس قرارداد قرضه ۱/۲۵۰/۰۰۰ لیره‌ای ایران از بانک شاهنشاهی نیز

۱۰۲. اسنادی درباره هجوم انگلیس و روس به ایران. به کوشش محمد ترکمان. تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰.

صص ۲۰۹-۲۱۱. ۱۰۳. فیروز کاظم‌زاده، همان، صص ۵۳۷-۵۳۸.

۱۰۴. روزنامه کاوه، س ۳، ش ۳۱-۳۲، ۹ محرم ۱۳۳۷، صص ۵-۷.

تهیه شده بود^{۱۰۵} تا هنگامی که دولت ایران برای یک کاسه کردن قروض متعدد خود با بانک استقراضی به توافق نهایی دست نیافت، قرارداد قرضه از بانک شاهنشاهی به امضای دو طرف نرسید.^{۱۰۶} البته در همان زمان هیئت دولت به خاطر اقداماتش در اخذ وام از بانک شاهنشاهی بارها از سوی نمایندگان مجلس شورای ملی و نیز نشریات و گروههای سیاسی رقیب مورد بازخواست و انتقاد قرار گرفت.^{۱۰۷}

بدین ترتیب، دولت ایران برای یک کاسه کردن قروض متعددش به بانک استقراضی با اولیای آن بانک و نیز سفارت روس در تهران وارد مذاکره شد و این مذاکرات در روزهای پایانی سال ۱۳۲۸ق/ ۱۹۱۰ میلادی به نتیجه رسید.^{۱۰۸}

پیش از آن و در ژانویه ۱۹۱۱/ محرم ۱۳۲۹ سر جرج بارکلی متن قراردادی را که طبق آن دولت ایران و اولیای سفارت روس درباره یک کاسه شدن قروض مختلف دولت ایران به بانک استقراضی توافق حاصل کرده بودند به دست آورده و گزارش آن را در ۲۳ ژانویه ۱۹۱۱/ ۲۸ محرم ۱۳۲۹ برای سر ادوارد گری ارسال کرده بود.^{۱۰۹}

در قرارداد یک کاسه شدن قروض مختلف ایران به بانک استقراضی، که در ۲۱ دسامبر ۱۹۱۰/ ۲۸ ذیحجه ۱۳۲۸^{۱۱۰} میان اولیای امور دولت ایران با وزیرمختار روس و رئیس بانک استقراضی در تهران به امضا رسید، حجم کلیه قروض ایران به آن بانک تا آن هنگام بیش از ۶/۰۰۰/۰۰۰ تومان اعلام شده و مدت بازپرداخت آن از اول ژوئیه ۱۹۱۰ تا اول ژوئیه ۱۹۲۵ (مجموعاً به مدت ۱۵ سال) ذکر گردیده و طی یازده فصل مجزا درباره چگونگی و شرایط بازپرداخت آن توافقات لازم صورت گرفته بود.^{۱۱۱}

احتساب قروض اشخاص به عنوان قروض دولتی

از جمله اقدامات ناروایی که گاه و بیگاه اولیای بانک استقراضی روس بدان دست می‌یازیدند احتساب قروض برخی از افراد و رجال کشور به عنوان قروض دولتی ایران

۱۰۵. روزنامه جبل‌المتین، س ۱۸، ش ۱۸، ۲۷ شوال ۱۳۲۸، ص ۲۴؛ همان، س ۱۸، ش ۲۰، ص ۲۴ و همان، س ۱۸، ش ۲۱، ص ۲۴. ۱۰۶. فیروز کاظم‌زاده، همان، صص ۵۳۹-۵۴۰.

۱۰۷. روزنامه مجلس، س ۴، ش ۲۶، ۳۳ و ۳۷.

108. *Iran Political Diaries*, Vol.5, Archive Editions, 1997, p. 99.

۱۰۹. کتاب آبی، همان، ج ۵، صص ۹۹۰-۹۹۱.

۱۱۰. در برخی منابع تاریخ امضای این قرارداد ۱۰ ژانویه ۱۴/۱۹۱۱ محرم ۱۳۲۹ ذکر شده است.

۱۱۱. کتاب آبی، همان، ج ۵، صص ۹۹۱-۹۹۳؛ و روزنامه کاهه، س ۳، ش ۳۱-۳۲، ۹ محرم ۱۳۳۷، ص ۷.



عین‌الدوله، ۱۳۲۳ق [۱۳۰۳-۱ع]

بود. این گونه اقدامات به‌طور پراکنده از سالهای نخست فعالیت بانک استقراضی آغاز شده بود و هر از چندگاه مواردی پیش می‌آمد که اولیای این بانک در توافق و یا بدون هماهنگی با اولیای حکومت مرکزی ایران قروض برخی افراد متنفذ را در جمع قروض حکومت به حساب می‌آوردند.^{۱۱۲} چنانکه عین‌الدوله صدراعظم مظفرالدین شاه هم، که گویا جهت مصارف جاری دربار با تضمین شخصی مبالغ هنگفتی از بانک استقراضی وام

۱۱۲. میرزا محمودخان احتشام‌السلطنه. خاطرات احتشام‌السلطنه، ج ۲. به کوشش محمد مهدی موسوی. تهران، زوآر، ۱۳۶۷. ص ۳۷۰.

دریافت کرده بود، پس از برکناری اش از صدارت عظمی مظفرالدین شاه قروض اخذ شده توسط او را در جمع وامهای حکومت محسوب نکرده و بدین ترتیب عین الدوله تا پایان دوران فعالیت بانک استقراضی در ایران جهت بازپرداخت این قروض به آن بانک، که خود او ادعا داشت به مصارف حکومت و دربار مظفرالدین شاه رسانیده است، دچار زحمت بود و سرانجام نیز پس از انتقال بانک استقراضی به دولت ایران اموال و داراییهای او در قبال وامهای اخذ شده ضبط و مصادره شد.^{۱۱۳} نظیر این موارد کم نبود و هر از چندگاه برخی از افراد و رجال، به حق یا ناحق، ادعا می‌کردند که جهت مصارف دولتی و نظایر آن مبالغی را از بانک استقراضی وام دریافت کرده‌اند و خواستار بازپرداخت آن از سوی دولت مرکزی می‌شدند.^{۱۱۴} تا اواخر سال ۱۳۲۸ ق میزان دقیق قروض ایران از بانک استقراضی چندان بر اولیای امور دولت ایران آشکار نبود. مشکل قروض اشخاص به بانک و احتساب آن به حساب وامهای دولتی از هنگامی به طور جدی بروز کرد که از اواخر سال ۱۳۲۷ قمری دولت ایران به سفارت روسیه در تهران پیشنهاد کرد برای یک کاسه شدن قروض ایران به بانک استقراضی چاره‌ای بیندیشد.^{۱۱۵} سفارت روس در غره محرم ۱۳۲۸ فهرستی از قروضی را که ادعا می‌کرد بانک استقراضی از دولت ایران طلب دارد در اختیار وزارت امور خارجه ایران قرار داد که بخش زیادی از آن شامل قروضی بود که افراد و اشخاص مختلف درباری و برخی حکام و متنفذان محلی و نظایر آنها در مقاطع مختلف از آن بانک دریافت کرده و تحت عنوان قروض دولتی ایران محسوب داشته بودند و اینک بانک استقراضی اولیای امور ایران را به تأیید آن قروض متفرقه به عنوان قروض دولتی ملزم می‌ساخت.^{۱۱۶}

وزارت امور خارجه ایران نیز، جهت آگاهی از صحت و سقم ادعای سفارت روس و نیز بانک استقراضی، فهرست ارائه شده مذکور را در اختیار اولیای امور وزارت مالیه قرارداد تا با بررسی لازم نظر خود را درباره قروض فوق اعلام کنند. وزارت مالیه هم ضمن استقبال و حمایت از لزوم یک کاسه شدن قروض مختلف ایران به بانک استقراضی طی نامه‌ای که در ۱۷ محرم ۱۳۲۸ برای وزارت امور خارجه فرستاد تصریح

۱۱۳. ابراهیم صفایی. رهبران مشروطه، دوره دوم. تهران، جاویدان، ۱۳۴۶. صص ۳۷۵-۳۷۶.

۱۱۴. صادق صادق، همان، مجموعه اول، صص ۱۲۱-۲۱۳.

۱۱۵. مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۸ ق، کارتن ۵۲، پوشه ۵.

۱۱۶. همان.

کرد که هرگاه پس از مطالعه و بررسی لازم ادعای بانک درباره قروض افراد اعلام شده به عنوان قروض دولتی اثبات نشود دولت ایران از قبول آن قروض به عنوان وام دولتی خودداری خواهد کرد.^{۱۱۷}

در همان حال، وزارت امور خارجه صورت کلیه قروضی را که تا آن هنگام دولت ایران به صور مختلف از بانک استقراضی اخذ کرده بود از اداره گمرک دریافت نمود تا طبق فهرست ارائه شده نسبت به دعاوی بانک استقراضی و سفارت روس تصمیم بگیرد. اولیای امور دولت ایران، پس از مدتی بررسی و مطالعه، متوجه شدند که بسیاری از مطالبات ادعایی بانک استقراضی از دولت ایران نمی‌تواند در ذمه دولت ایران قرار گرفته قروض دولتی محسوب شود. به همین دلیل، طی یادداشتی مستند، که در ۱۰ صفر ۱۳۲۸ از طریق وزارت امور خارجه برای سفارت روس در تهران ارسال شد، ضمن رد مواردی که به عقیده آنان نمی‌توانست جزو قروض دولتی به حساب آید، از اولیای آن سفارت خواسته شد که هرگاه نسبت به نظرات فوق اعتراضی دارند ترتیبی اتخاذ کنند تا نمایندگان از وزارت مالیه ایران و نیز اولیای بانک استقراضی طی نشستی مشترک به اختلافات میان دو طرف پایان دهند.^{۱۱۸}

وزارت مالیه هم در ششم ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ طی نامه‌ای از وزارت امور خارجه تقاضا نمود که در هماهنگی با اولیای بانک استقراضی و سفارت روس اسناد و مدارکی را که در نزد آن بانک درباره دیون دولتی مضبوط است در اختیار آن وزارتخانه قرار دهد تا با بررسیهای کارشناسی و مذاکراتی، که میان دولت ایران با بانک استقراضی و سفارت روس در تهران صورت خواهد گرفت، به اختلافات موجود پایان داده شود.^{۱۱۹} وزارت امور خارجه نیز طی یادداشتی که در همان روز ششم ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ درباره این خواسته وزارت مالیه برای سفارت روسیه در تهران ارسال کرد، ضمن تصریح بر دقت نظر اولیای امور ایران در تفکیک قروض اشخاص با وامهایی که دولت و حکومت دریافت کرده است، از اولیای آن سفارت تقاضا نمود تا، ضمن هماهنگی با بانک استقراضی، اسناد و مدارک متقن و مستندی برای دعاوی خود در ارتباط با قروضی که گفته می‌شد جزو قروض دولتی ایران محسوب است ارائه دهند.^{۱۲۰}

اما سفارت روسیه، برخلاف انتظار دولت ایران، نه تنها از ارائه اسنادی مستند از

۱۱۹. همان.

۱۱۸. همان.

۱۱۷. همان.

۱۲۰. همان.

آنچه در نامه ذیحجه ۱۳۲۷ آن سفارت به آنها اشاره شده بود. طفره رفت بلکه طی نامه‌ای که در ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ و در پاسخ به درخواست اخیر وزارت خارجه ایران فرستاد، بار دیگر برصحت و اعتبار فهرست ارائه شده پیشین درباره قروض دولت ایران تأکید نمود.^{۱۲۱}

سفارت روسیه طی یادداشت دیگری، که در ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۳۲۸ برای وزارت امور خارجه ایران فرستاد، ضمن اینکه دولت ایران را به پرداخت تمام قروضی که در فهرست ۲۷ ذیحجه ۱۳۲۷ تحت عنوان قروض دولتی ایران از آن یاد شده بود ملزم ساخت چند فقره قرضه دیگر را نیز به فهرست سابق افزود.^{۱۲۲}

وزارت مالیه ایران، که از طریق وزارت امور خارجه در جریان این دعاوی جدید سفارت روسیه قرار گرفته بود، از اولیای آن وزارتخانه تقاضا نمود اسناد این قروض ادعایی از بانک استقراضی مطالبه شود تا درباره صحت و سقم آن گفت‌وگو به عمل آید.^{۱۲۳} با تمام این احوال، از متن قرارداد یک کاسه شدن قروض ایران به بانک استقراضی برمی‌آید، دولت ایران، با همه تلاشهایی که صورت داد، نتوانست از احتساب قروض ادعایی بانک استقراضی و سفارت روس در جمع دیون دولتی خودداری نماید و تقریباً تمامی مواردی که در فهرست ارائه شده از سوی بانک استقراضی و سفارت روس به عنوان قروض دولتی ایران قلمداد شده بود از سوی اولیاء امور دولت ایران مورد موافقت قرار گرفت.

بانک استقراضی طی سالهای بعد فعالیتش در ایران در احتساب قروض اشخاص و افراد مختلف به بانک مذکور تحت عنوان قروض دولتی از این هم فراتر رفت، تا جایی که هرگاه برخی از بدهکاران این بانک پس از اینکه طی دادرسیهایی که در اداره محاکمات وزارت امور خارجه صورت می‌گرفت به پرداخت وجه ادعایی بانک محکوم می‌شدند و در تأدیه این وجوه به بانک تعلل می‌کردند اولیاء این بانک با حمایت‌های سفارت روس در تهران قروضی از آن نوع را جزو قروض دولتی ایران به حساب می‌آوردند و با سيطرة‌ای که بر عایدات گمرکات شمالی کشور داشتند وجوه مذکور را از این عایداتی که در بانک استقراضی جمع می‌شد کسر می‌کردند.^{۱۲۴}

هرچند وزارت امور خارجه نیز با دستورالعمل رئیس‌الوزراء وقت از سفارت روس

۱۲۳. همان.

۱۲۲. همان.

۱۲۱. همان.

۱۲۴. همان.

خواست تا نگذارد بانک استقراضی این‌گونه قروض را به عنوان دیون دولتی به حساب بیاورد.^{۱۲۵} با این حال، در اینکه اولیاء بانک استقراضی و نیز سفارت روس تا چه حد با خواست دولت ایران موافقت نشان دادند اطلاعی در دست نیست.

مذاکرات قرضه در سال ۱۳۲۹ق/ ۱۹۱۱م و بحران شوستر

قروض مختلف ایران به بانک استقراضی در آخرین روز سال ۱۹۱۰ میلادی یک کاسه شد و کل مبلغ قرضه ایران به بانک بیش از ۶/۰۰۰/۰۰۰ تومان اعلام شد. با یک کاسه شدن قروض ایران به بانک استقراضی اولیاء بانک شاهنشاهی برای دادن وامی به مبلغ ۱/۲۵۰/۰۰۰ لیره به دولت ایران مجوز لازم را از روسها کسب کردند^{۱۲۶} و بدین ترتیب در نهم جمادی‌الاول ۸/۱۳۲۹ مه ۱۹۱۱ میان دولت ایران و بانک شاهنشاهی قراردادی منعقد شد که طبق آن بانک مذکور مبلغ ۱/۲۵۰/۰۰۰ لیره در اختیار دولت ایران قرار داد.^{۱۲۷}

طی سال ۱۳۲۹ قمری بانک استقراضی هیچ‌گونه وام قابل توجهی در اختیار دولت ایران قرار نداد. با این حال، به ویژه از نیمه دوم این سال بحران مالی دولت ایران برکسی پوشیده نبود و نیاز به اخذ قرضه‌ای جدید از بانکهای شاهنشاهی و استقراضی محسوس بود.^{۱۲۸}

طی ماههای پایانی سال ۱۳۲۸ قمری دولت ایران طرح استخدام چند تن از مستشاران مالی آمریکایی را مورد توجه و تصویب قرار داد؛ بنابراین، وزیر امور خارجه وقت حسینقلی خان نواب طی دستورالعملی از وزیرمختار وقت ایران در واشنگتن نبیل‌الدوله خواست تا نسبت به استخدام تعدادی از متخصصین امورمالی از آن کشور اقدامات لازم را به عمل آورد. در واقع، بحران مالی دامنگیر دولت و لزوم سروسامان

۱۲۵. همان.

۱۲۶. کتاب آبی، همان، ج ۵، صص ۱۰۴، ۱۰۱۴-۱۰۱۵ و ۱۰۸۰-۱۰۸۱؛ و ایرج ذوقی. تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرتهای بزرگ. تهران، پازنگ، ۱۳۶۸. صص ۷۴-۷۵.

۱۲۷. مرکز اسناد سازمان اسناد ملی ایران، سند: ۲۳۴۲۰ و ۳۴۸۱۲/۲۴ ب ۱؛ و کتاب آبی، همان، ج ۵، صص ۱۰۶۷-۱۰۷۱.

۱۲۸. یوری سرگی یویچ ایوانف. انقلاب مشروطیت ایران. ترجمه آذر تبریزی. تهران، شبگیر و ارمغان، ۱۳۵۷. صص ۱۰۴ و ۱۰۵؛ و آنت دستره. مستخدمین بلژیکی در خدمت دولت ایران. ترجمه منصوره اتحادیه. تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳. صص ۱۷۱-۱۷۲.

دادن به امور مالی و تنظیم دخل و خرج کشور موجبات فراخوانی این گروه از مستشاران آمریکایی را فراهم آورده بود.^{۱۲۹} در آن هنگام دولت ایران تعهدات مالی پرداخت نشده عمده‌ای داشت که بخش اعظم آن را اقساط بدهیهایش به بانکهای شاهنشاهی و استقراضی تشکیل می‌داد و اینک درصدد بود با فراخوانی مستشاران آمریکایی براین مشکلات اقتصادی و مالی غلبه کند؛^{۱۳۰} به ویژه اینکه در آن هنگام طرح اخذ وام از برخی منابع خارجی در جریان بود و گفته می‌شد که با ورود این هیئت درباره چگونگی مصرف این وامها تصمیمات و برنامه‌ریزیهای لازم صورت خواهد گرفت.^{۱۳۱} علاوه بر این، انتظار می‌رفت هیئت مذکور به خاطر عدم وابستگی به کشورهای روس و انگلیس در وظایف محول شده بیش از هر چیز مصالح دولت و مردم ایران را مورد توجه قرار دهد.^{۱۳۲} بدین ترتیب، هیئتی آمریکایی به سرپرستی مورگان شوستر جهت سروسامان دادن به اوضاع مالی کشور استخدام و در ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۹ وارد ایران شد و به سرعت کار خود را آغاز کرد.^{۱۳۳}

مورگان شوستر، که به عنوان خزانه‌دار کل استخدام شده بود، درباره وظایف و اختیارات خود و هیئت آمریکایی همراهش لایحه‌ای شامل دوازده ماده تنظیم کرد و جهت تصویب به مجلس شورای ملی فرستاد تا پس از تأیید نمایندگان به اجرا درآید. مفاد این لایحه دوازده ماده‌ای، بیش از هر چیز، حوزه عمل بانکهای شاهنشاهی و استقراضی را در ایران سخت محدود می‌کرد و نیز هیئت بلژیکی عهده‌دار مدیریت گمرکات ایران را تحت کنترل مستشاران آمریکایی قرار می‌داد. پیش از آن، طبق توافقاتی که دولت‌های روس و انگلیس و یا بانکهای آن دو کشور با دولت ایران داشتند، با نظارت هیئت بلژیکی عایدات گمرک ایران در بخشهای مختلف کشور در بانکهای شاهنشاهی و استقراضی گردآوری می‌شد و اولیاء این بانکها پس از کسر اقساط مطالبات خود مازاد عایدات را در موعد مقرر به حساب دولت ایران واریز می‌کردند؛ اما شوستر طبق

۱۲۹. آنت دستره، همان، صص ۹۱۴-۱۹۵؛ عبدالحسین نوایی، ایران و جهان، همان، ج ۳، صص ۲۲۷-۲۲۸؛ و

جیمز فردریک مایرلی، عملیات در ایران، ترجمه کاوه بیات، تهران، رسا، ۱۳۶۹، صص ۶۸-۶۹.

۱۳۰. محمدرضا کریمی پور، علل استخدام مستشاران خارجی از دول بی‌طرف پس از استبداد صغیر، تهران، کتابخانه مرکزی، ۱۳۵۴، صص ۲۰-۲۳ و ۳۰-۳۱.

۱۳۱. محمد مهدی شریف‌کاشانی، همان، ج ۳، ص ۸۷۴.

۱۳۲. روزنامه جل‌المین، س ۱۸، ش ۱۲، صص ۲۱-۲۲.

۱۳۳. عبدالحسین نوایی، ایران و جهان، همان، ص ۲۲۸.

لایحه‌ای که تنظیم شده بود این حق را از هیئت بلژیکی گمرک و نیز بانکهای فوق سلب کرد و کنترل تمام امور مالی کشور را به دست گرفت. بدین ترتیب، طبق لایحه فوق، تمام عایدات کشور در درجه اول در حسابی که مستقیماً تحت مدیریت و کنترل شوستر قرار داشت جمع‌آوری می‌شد و پس از آن خزانه‌داری کل نسبت به پرداخت تعهدات جاری دولت به بانکها و سایر مصارف اقدامات لازم را به عمل می‌آورد و، در واقع، خزانه‌داری کل کنترل کاملی بر مجموعه عایدات و مصارف و هزینه‌های دولت ایران اعمال می‌کرد. پس از ارائه طرح فوق به مجلس شورای ملی نمایندگان مجلس طی زمان کوتاهی مفاد آن را مورد بررسی قرار دادند و در ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹/۱۳ ژوئن ۱۹۱۱ آن را تصویب نمودند.^{۱۳۴}

بعد از تصویب این قانون، مورگان شوستر، با ارسال نامه‌هایی به بانکهای شاهنشاهی و استقراضی، تأکید کرد که از آن پس صرفاً به پرداخت حواله‌هایی اقدام کنند که امضاء تأیید وی بر آن قرار گرفته باشد. بدین ترتیب، اختیاراتی که پیش از این به مرنارد بلژیکی مدیرکل گمرک سپرده شده بود مورگان شوستر از او سلب کرد.^{۱۳۵} با این حال، شوستر اولیاء این دو بانک را مطمئن ساخت که در بازپرداخت اقساط مطالبات آنها از دولت ایران هیچ‌گونه مشکلی بروز نخواهد کرد.^{۱۳۶}

سر جرج بارکلی، در گزارشی که در ارتباط با اختیارات شوستر برای سرادوار گری فرستاد، ضمن اشاره به کنترل فائقه مستشاران مالی آمریکایی در امور مالی دولت ایران تصریح کرد که در آینده‌ای نه چندان دور اوضاع مالی ایران سر و سامان خواهد گرفت.^{۱۳۷}

بدین ترتیب، آشکار بود که قانون اختیارات شوستر محدودیتهای قابل توجهی برای بانک استقراضی ایجاد می‌کرد و اینک شوستر آماده بود تا، بدون توجه به مرزبندیهای سیاسی - اقتصادی‌ای که تا آن هنگام در مورد فعالیت این بانکها در ایران وجود داشت اقدامات تقریباً جسورانه خود را آغاز کند. شوستر همچنین، با نادیده گرفتن محدودیتهای مرزبندی‌هایی که قرارداد ۱۹۰۷ درباره چگونگی فعالیت سیاسی - اقتصادی روس و انگلیس در ایران ایجاد کرده بود، در موارد متعدد، حوزه نفوذ و فعالیت بانک استقراضی

۱۳۴. مورگان شوستر، همان، صص ۴۰۷-۴۰۹؛ و مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹.

۱۳۵. کتاب آبی، همان، ج ۵، صص ۱۱۲۰-۱۱۲۱.

۱۳۶. ابراهیم صفایی، زمینه‌های اجتماعی کودتای...، همان، ص ۱۰۵.

۱۳۷. کتاب آبی، همان، ج ۵، صص ۱۰۹۱-۱۰۹۲.

را مورد تعرض قرارداد^{۱۳۸} و، با تشکیل ژاندارمری خزانه که افسری انگلیسی به نام استوکس را هم به فرماندهی آن برگزیده بود، اقدام به کنترل مدیریت و نیز جمع آوری عایدات دولت ایران کرد. این اقدام شوستر در استخدام استوکس انگلیسی برای فرماندهی ژاندارمری خزانه به زودی مخالفت روسها را برانگیخت و سفیر روس در نامه‌ای خطاب به وزیر خارجه وقت ایران حضور این فرد در رأس ژاندارمری خزانه را برخلاف مصالح دولت روسیه در ایران قلمداد نمود و، به ویژه، تأکید کرد که روسها در بخشهای شمالی ایران از اقدامات او ممانعت به عمل خواهند آورد.^{۱۳۹} بدین ترتیب، اختلافات میان دولت ایران و شوستر از یک سو و دولت روسیه تزاری از سوی دیگر آغاز شد که کماکان بر لزوم تداوم وضع پیشین اصرار می‌ورزید و تلاش می‌کرد اقتدار پیشین بانک استقراضی در سیطره بر سر پلهای مهم اقتصادی - مالی دولت ایران در بخشهای شمالی کشور را حفظ کند و نیز پرداخت حقوق و مزایای نیروی قزاق و مستمری محمدعلی میرزای مخلوع مطابق معمول سابق در کنترل بانک مذکور باقی بماند.^{۱۴۰} اما شوستر مصر بود که تمام پرداختهای فوق مستقیماً از طریق خود او انجام گیرد.^{۱۴۱} و به بانک استقراضی هشدار داد تا وجوه و عایدات دولتی را فقط به حساب خزانه‌داری کل واریز نماید و جهت کسر مطالباتش منتظر دستورالعمل وی بماند.^{۱۴۲} مستر شوستر به اقدام تحریک‌آمیز دیگری هم دست زد و آن تلاش برای اخذ وامی به مبلغ ۴/۰۰۰/۰۰۰ لیره از بانکهای آمریکایی بود^{۱۴۳} تا بخشی از آن را به بازپرداخت تمام قروض و مطالبات بانک استقراضی از دولت ایران اختصاص دهد.^{۱۴۴} این طرح شوستر البته با خواسته روسها و بانک استقراضی، که بر آن بودند از قبیل وامهای مذکور حوزه نفوذ خود در ایران را گسترش دهند، مغایر بود و به همین دلیل جهت جلوگیری از این طرح شوستر از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کردند.^{۱۴۵} بدین ترتیب، اینک که مورگان

۱۳۸. محمد مهدی شریف‌کاشانی، همان، ج ۳، ص ۸۷۵؛ و مورگان شوستر، همان، صص ۲۹-۳۲.

۱۳۹. همان، صص ۱۸-۲۳؛ کتاب آبی، همان، ج ۵، صص ۱۲۲۶-۱۲۲۷.

۱۴۰. روزنامه تیریز، س ۱، ش ۱۰۰، ۳ رمضان ۱۳۲۹، ص ۳.

۱۴۱. ابراهیم صفایی، زمینه‌های اجتماعی کودتای...، همان، صص ۱۰۳-۱۰۵.

۱۴۲. رحیم رضازاده‌سلک. تاریخ روابط ایران و ممالک متحده آمریکا. تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۰.

صص ۲۲۷-۲۲۸. ۱۴۳. قهرمان میرزا سالور (عین‌السلطنه)، همان، ج ۵، ص ۳۵۵۵.

۱۴۴. مورگان شوستر، همان، ص ۳۳۹.

۱۴۵. تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران. تهران، بانک ملی ایران، ۱۳۳۸. ص ۵۷.



مورگان شوستر و پیرم خان ارمنی با جمعی از نیروهای مجاهدین و اعضای خزانه در ایام مشروطه [۵۷۳-۸]

شوستر درصدد برآمده بود نظم پیشین در روابط اقتصادی - تجاری و نیز سیاسی ایران با انگلیس و به ویژه، با روسیه تزاری را بر هم زند، آشکار بود که تصادم او با سیاستگذاران آن کشورها در عرصه ایران اجتناب‌ناپذیر خواهد شد. دولتهای یاد شده نیز خیلی زود نشان دادند که قصد چندانی جهت همراهی با خواسته‌ها و اصلاحات شوستر ندارند و به تدریج فشار آن دو کشور جهت عقیم‌گذاردن برنامه‌های در دست اجرای شوستر، که، در نهایت، هم به اخراج او از ایران انجامید، آغاز شد.^{۱۴۶} در این میان، بانک استقراضی جهت اعمال فشار مالی بر دولت ایران کوشید تا از واریز مبالغی کلی از عایدات مازاد گمرکات شمالی ایران به حساب دولت ایران خودداری کند و در این اقدام هم موفق شد.^{۱۴۷} از دیگر سیاستهای بانک استقراضی جهت تحت فشار قرار دادن شوستر

۱۴۶. سرپرسی سایکس. تاریخ ایران. ج ۲. ترجمه محمدتقی فخرداعی‌گیلانی. تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳. ج ۲، صص ۵۹۸-۵۹۹. ۱۴۷. مهدی قلی‌هدایت، همان، ص ۲۹۸.

اجتناب این بانک از پرداخت به موقع حقوق و مزایای نیروی قزاق بود. مورگان شوستر هم در واکنش به این اقدام بانک استقراضی در نامه‌ای که در ۱۹ اوت ۲۳/۱۹۱۱ شعبان ۱۳۲۹ برای سفارت روس در تهران فرستاد، با اشاره به تعویقی که در پرداخت حقوق بریگارد قزاق روی داده بود، جداً از پاکلوسکی سفیر روس در تهران درخواست کرد تا اولیاء بانک استقراضی را به واریز حقوق مذکور ملزم سازد.^{۱۴۸}

مشکل دیگری که، به ویژه، با پشتیبانی سفارت روس در تهران برای شوستر بروز کرد نافرمانی مسیو مرنارد مدیر کل گمرکات بود که عقیده داشت جهت نقل و انتقال و صدور وصول حواله‌های بانکی و اعتباری اختیار تام دارد. اما شوستر به مرنارد اصرار می‌ورزید که برای هرگونه اقدامی از این نوع باید نظر مساعد او را جلب نماید. مرنارد که از سوی سفارت روس تقویت می‌شد از این دستور شوستر سرپیچی کرده حواله‌ای جهت وصول به بانک شاهنشاهی فرستاد؛ اما مسئولان آن بانک به دستور شوستر از نقد کردن حواله مرنارد خودداری کردند و، به تبع آن، بانک استقراضی با پشتیبانی سفارت روس مدعی شد که وجه حواله مذکور از آن بانک است و دولت ایران را برای پرداخت آن تحت فشار قرارداد اما شوستر از موضع خود عقب‌نشینی نکرد^{۱۴۹} و مرنارد را متقاعد ساخت که در انجام دادن وظایفش در رأس گمرکات ایران لزوماً باید از نظرات وی پیروی کند.^{۱۵۰} بدین ترتیب، آشکار بود که هم مرنارد و هم روسها در تخریب موقعیت شوستر خواهند کوشید.

سفارت روسیه، که در متقاعد کردن شوستر به همراهی با سیاستها و خواسته‌های دولت متبوع خود در ایران موفق نشده بود، به تدریج مصمم شد طرح اخراج او و همکاران آمریکایی‌اش از ایران را مورد توجه قرار دهد. به زودی دستاویز لازم جهت شدت یافتن فشار روسها بر دولت ایران و نیز مورگان شوستر به دست آمد. دولت ایران مدتی پیش از آن اموال و داراییهای منقول و غیرمنقول سالارالدوله و شعاع‌السلطنه برادران شاه مخلوع (محمدعلی میرزا) را به علت تهاجماتی که به خاک کشور کرده بودند ضبط و مصادره کرده بود و اینک از مورگان شوستر خزانه‌دار کل تقاضا می‌نمود تا داراییهای فوق را به نفع دولت ضبط کند. پیش از آن، دولتهای روس و انگلیس موافقت

۱۴۸. مورگان شوستر، همان، صص ۴۶۲-۴۶۳.

۱۴۹. همان، صص ۳۲-۳۵؛ و کتاب آبی، همان، ج ۵، صص ۱۱۴۲ و ۱۱۴۷.

۱۵۰. مورگان شوستر، همان، صص ۱۳۸-۱۳۹؛ و عبدالحسین نوایی، دولتهای ایران از آغاز...، صص ۲۰۴-۲۰۵.

خود را با ضبط این داراییها از سوی دولت ایران اعلام کرده بودند؛ اما هنگامی که مأموران شوستر جهت ضبط پارک شعاع السلطنه به آن محل مراجعه کردند با مأمورانی از سوی سفارت روس و بانک استقراضی مواجه شدند که ادعا داشتند باغ و پارک مذکور به خاطر وامی که مدتی قبل شعاع السلطنه از بانک استقراضی دریافت کرده بود در گرو بانک می‌باشد و، بنابراین، مأموران شوستر و دولت ایران حق ورود به آن پارک را ندارند.^{۱۵۱} بدین ترتیب، اختلاف دو طرف شروع شد و هریک جهت عملی ساختن خواسته خود سخت پافشاری کردند.^{۱۵۲} در واقع، چنانکه از اسناد و مدارک بر جای مانده برمی‌آید، شعاع السلطنه برخلاف نظر سفارت روس نه تنها هیچ‌گونه وامی از بانک استقراضی دریافت نکرده بود بلکه مبالغی کلی هم از آن بانک طلبکار بود. مورگان شوستر جریان سندسازی بانک استقراضی درباره مقروض بودن شعاع السلطنه را ساختگی ارزیابی کرد و آن را مربوط به زمانی دانست که پس از وقایعی که منجر به خلع و عزل محمدعلی میرزا از سلطنت شد برخی از اطرافیان او و از جمله شعاع السلطنه جهت اخذ مبالغی کلی از دولت ایران با همکاری بانک استقراضی اسنادی ساختگی تنظیم کرد که حاکی از مقروض بودن او به بانک مذکور بوده و دولت ایران را مکلف می‌ساخت این وجوه مورد ادعا را به بانک استقراضی پرداخت نماید.^{۱۵۳}

پیش از آن، روسها طرح شوستر برای اخذ وامی از سندیکای بین‌المللی را ناکام گذارده بودند و نیز تحت فشار آنان سرگرد استوکس انگلیسی از رأس ژاندارمری خزانه کنار گذاشته شده بود.^{۱۵۴}

سفارت روس در تهران پس از سرسختیهایی که ژاندارمری تحت فرمان خزانه‌داری کل برای تصرف املاک شعاع السلطنه به خرج داده بود،^{۱۵۵} این اقدام را اهانتی نسبت به خود تلقی کرد و از دولت ایران خواست تا، ضمن پایان دادن به وضعیت فوق، رسماً از آنها عذرخواهی کند و جهت تأمین منافع بانک استقراضی از محل املاک شعاع السلطنه

۱۵۱. مورگان شوستر، همان، صص ۱۸۶-۱۸۷.

۱۵۲. فیروز کاظم‌زاده، همان، صص ۵۸۸-۵۹۱؛ و احمد کسروی. تاریخ هجده ساله آذربایجان. چاپ هشتم. تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶. صص ۲۲۴-۲۲۶.

۱۵۳. مورگان شوستر، همان، صص ۱۹۸-۱۹۹. ۱۵۴. همان، صص ۲۰۰-۲۰۱.

۱۵۵. غلامعلی خان عزیزالسلطان (ملیجک ثانی). روزنامه خاطرات عزیزالسلطان. به کوشش محسن میرزایی. تهران، زریاب، ۱۳۷۶. ج ۳، ص ۲۱۰۹.

اقدامی فوری صورت گیرد^{۱۵۶} و نیز به جای ژاندارم خزانہ، قزاق ایرانی عہدہ دار محافظت از باغ شعاع السلطنہ شود و خسارتها جبران شود.^{۱۵۷} اما دولت ایران در دوم نوامبر ۱۹۱۱ سفارت روس در تہران را آگاہ ساخت کہ ہیچگونہ قصدی مبنی بر ہمراہی با خواستہ‌های آنها ندارد.^{۱۵۸} بدین ترتیب، روسها کہ احساس می‌کردند دولت ایران با خواستہ‌های آنان ہمراہی نشان نخواہد داد برفشار خود افزودہ با ارسال نامہ‌های تهدیدآمیز لزوم اخراج شوستر از ایران را خواستار شدند.^{۱۵۹} در ہمین مورد، پاکلوسکی سفیر وقت روسیہ در تہران در نامہ مورخ ہفتم ذیحجہ ۱۳۲۹/۲۹ نوامبر ۱۹۱۱ خود خطاب بہ وثوق الدولہ وزیر خارجه ایران تهدید نمود کہ ہرچہ زودتر برای اخراج شوستر از ایران اقدام لازم را بہ عمل آورد.^{۱۶۰}

این نامہ سفارت روس، کہ تحت عنوان اولتیماتوم ثانی ہم معروف شدہ است، اولیاء امور دولت ایران را سخت با بحران مواجہ ساخت بہ ویژہ اینکہ قشون روس بہ سرعت مناطق شمالی ایران را بہ قصد قزوین ترک کردہ و راہ ہرگونہ تفاہم مسالمت‌آمیز نیز مسدود شدہ بود. بدین ترتیب، در ۲۴ دسامبر ۱۹۱۱/دوم محرم ۱۳۳۰ وثوق الدولہ وزیر امور خارجه ایران، در نامہ‌ای خطاب بہ پاکلوسکی سفیر روسیہ در تہران، قبول اولتیماتوم را بہ اطلاع وی رسانید و بہ خدمت شوستر در رأس خزانہ‌داری کل دولت ایران پایان دادہ شد.^{۱۶۱}

پس از عزل شوستر از رأس خزانہ‌داری کل مخالفتہایی با دولتہای روس و انگلیس در میان اقشار مختلف مردم بروز کرد و اقداماتی برای تحریم بانکہای شاہنشاهی و استقراضی صورت گرفت؛ اما دامنہ آن چندان گسترش نیافت و مدتی بعد فروکش نمود.^{۱۶۲} پس از اخراج شوستر از ایران مسیو مرنارد بلژیکی علاوہ بر پست مدیریت گمرکات کشور خزانہ‌داری کل دولت ایران را نیز بہ دست آورد.^{۱۶۳}

۱۵۶. کتاب آبی، همان، ج ۶، صص ۱۱۱۲-۱۱۱۴ و ۱۱۲۶-۱۱۲۷.

۱۵۷. غلامعلی خان عزیزالسلطان، همان، ص ۲۱۲۵.

۱۵۸. کتاب آبی، همان، ج ۶، صص ۱۳۵۴-۱۳۵۵.

۱۶۰. همان، ص ۱۳۶۹؛ و مورگان شوستر، همان، صص ۲۱۲-۲۱۳.

۱۶۱. همان، صص ۲۴۸ بہ بعد؛ و کتاب آبی، همان، ج ۷، صص ۱۵۳۲-۱۵۳۳.

۱۶۲. اسنادی از ہجوم انگلیس و روس بہ ایران، همان، صص ۱۵۸-۱۶۰؛ پرواند آبراہامیان. ایران بین دو انقلاب. ترجمہ احمد گل محمدی و ابراہیم فتاحی. تہران، نشر نی، ۱۳۷۷. صص ۱۳۶-۱۳۸؛ و عبدالحسین نوایی، همان، صص ۲۹۸-۲۹۹.

۱۶۳. کتاب آبی، همان، ج ۸، صص ۱۸۰۹-۱۸۱۰؛ و محمد مہدی شریف‌کاشانی، همان، ج ۳، صص ۷۴۰-۷۴۱.

قرضه‌های سال ۱۳۳۰/ق/۱۹۱۲م

از همان هنگامی که دولت روسیه برای عزل شوستر از خزانه‌داری کل دولت ایران تلاش می‌کرد به اتفاق انگلیس طرحهایی برای نصب مرنارد به جای شوستر و نیز دادن وام کافی به دولت ایران در دست بررسی و مذاکره داشتند.^{۱۶۴} همزمان با قبول اولتیماتوم روس از طرف دولت ایران، مجلس شورای ملی دوره دوم منحل شد و دولت وقت به ریاست صمصام‌السلطنه بختیاری هم که این اولتیماتوم را قبول کرده بود دچار بحران سیاسی و نیز اقتصادی بود. بدین ترتیب، اختلافات جدی‌ای میان اعضای برجسته احزاب و فعالان سیاسی ایران بروز کرد و دوران موسوم به استبداد ناصرالملکی آغاز شد. در این ضمن، روسها نیز در گوشه و کنار کشور به تجاوزات سیاسی، اقتصادی و نظامی خود ادامه می‌دادند.^{۱۶۵} همزمان با این مشکلات داخلی، دولتهای روس و انگلیس هم جهت تثبیت موقعیت خود و دادن یک وام مشترک به دولت ایران آماده می‌شدند و هم در تلاش بودند از موقعیت ایجاد شده برای اخذ پاره‌ای امتیازات سیاسی و اقتصادی استفاده کنند. گفته می‌شد که، در آن مقطع، روسها در قبال دادن وام به دولت ایران علاقه‌مند بودند امتیاز احداث راه‌آهن را از اولیاء دولت ایران اخذ نمایند و دولت بریتانیا نیز طرحهای مشابهی در دست بررسی داشت.^{۱۶۶} علاوه بر این، دولت ایران نیز، که در بحران شدید مالی غوطه‌ور بود،^{۱۶۷} برای اخذ یک وام کافی مذکور اظهار علاقه می‌کرد و نمایندگان دولت در نامه‌هایی خطاب به ناصرالملک به لزوم اخذ وام از آن دو دولت اصرار می‌ورزیدند.^{۱۶۸} با این حال، از اینکه امتیازات سنگینی نظیر امتیازات احداث راه‌آهن در آن اوضاع و احوال به آن دو کشور واگذار شود، اندکی احتیاط می‌کردند.^{۱۶۹}

سر جرج بارکلی سفیر بریتانیا در تهران در دهم ژانویه ۱۹/۱۹۱۲ محرم ۱۳۳۰ درباره بحرانهای پرشمار مالی دامنگیر دولت ایران به سرادوردگری گزارش می‌دهد و متذکر می‌شود که برای جلوگیری از وخیم‌تر شدن اوضاع، علاوه بر اینکه تا مدتی

۱۶۴. کتاب آبی، همان، ج ۶، صص ۱۴۰۲-۱۴۰۳؛ همان، ج ۷، ص ۱۴۹۲؛ و مهدی‌قلی هدایت، همان، ص ۲۹۰.
۱۶۵. رامسین یسلفانی. زندگانی سیاسی ناصرالملک. تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۶.
صص ۲۶۸-۲۷۱. ۱۶۶. پیتراوری، همان، صص ۳۲۸-۳۲۹.
۱۶۷. فیروز کاظم‌زاده، همان، ص ۶۴۷.
۱۶۸. صادق صادق، همان، ج ۱، صص ۱۹۴-۲۰۸.
۱۶۹. همان، صص ۳۵۸-۳۵۹.

بانکهای شاهنشاهی و استقراضی از مطالبه اقساط قروض اعطایی خود اجتناب کنند، ترتیبی داده شود که، حداقل، بانک استقراضی روس بتواند مساعده‌ای، هر چند محدود، برای پرداخت تعهدات جاری دولت در اختیار اولیاء امور قرار دهد.^{۱۷۰} اما روسها، که در تلاش بودند در درجه اول موقعیت سیاسی خود در ایران را تحکیم کنند و سپس درباره امتیاز راه آهن با اولیاء امور دولت به توافقاتی دست یابند، ضمن اینکه لزوم اعطای وامی کافی به دولت ایران را درک می‌کردند حاضر نبودند که قبل از تحقق اهداف و خواسته‌های خود نسبت به پرداخت وام اقدامی جدی به عمل آورند.^{۱۷۱} علاوه بر این، در آن هنگام محمدعلی میرزای مخلوع با کمک برخی طرفدارانش بخشهایی از شمال و غرب کشور را مورد تاخت و تاز قرار داده بود و به نظر می‌رسید که دولت روسیه به نوعی امیدوار است تا او در کسب قدرت موفقیتی کسب نماید. به همین دلیل، برای دادن وام به دولت ایران کمتر عجله به خرج می‌داد.^{۱۷۲} در همان حال، انگلیسیها از طریق سفرای خود در سن پترزبورگ و تهران در تلاش بودند با گوشزد کردن بحران مالی فراگیری که دولت ایران را در خود فرو برده بود مسئولان دولت روسیه را به لزوم پرداخت مساعده‌ای مشترک به مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ لیره به دولت ایران متقاعد کنند و اهمیت ضرورت و فوریت این مساعده را گوشزد آنان سازند.^{۱۷۳} و اولیاء آن کشور را از حمایت محمدعلی میرزا و قرارداد او در مقابل دولت ایران باز دارند.^{۱۷۴} سر ادوارد گری وزیر خارجه بریتانیا در دوم فوریه ۱۳/۱۹۱۲ صفر ۱۳۳۰ به سفیر آن کشور در سن پترزبورگ دستور داد تا ضمن ملاقات با وزیر امور خارجه روسیه تزاری چگونگی و دلایل اعطای مساعده‌ای به مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ لیره به دولت ایران را با او در میان بگذارد.^{۱۷۵}

مذاکرات دو کشور درباره شرایط و چگونگی دادن وام به دولت ایران ادامه یافت و به نظر می‌رسید که روسها کماکان در دادن وام به دولت ایران عجله‌ای ندارند؛ و، به ویژه، اصرار می‌کردند که از جمله شرایط این قرضه باید حفظ حقوق محمدعلی میرزای عاصی و همراهان او باشد و در این باره مذاکراتی هم با مسئولان دولت ایران صورت گرفت. با این حال، دولت روسیه هنوز برای پرداخت این وام به دولت ایران مانع

۱۷۱. همان، ج ۸، صص ۲۱۳۰-۲۱۳۲.

۱۷۲. همان، صص ۱۵۷۰-۱۵۷۱.

۱۷۳. همان، صص ۱۵۷۹-۱۵۸۰.

۱۷۰. کتاب آبی، همان، ج ۷، صص ۱۵۲۲-۱۵۲۳.

۱۷۲. همان، ج ۷، صص ۱۵۲۹-۱۵۳۱.

۱۷۴. همان، صص ۱۵۷۳-۱۵۷۵.

تراشیهای دیگری می‌کرد و از جمله اصرار داشت که، برخلاف خواسته انگلیسیها که ربح ۵ درصدی را در برابر این وام از دولت ایران مطالبه می‌کردند، آن دولت این رقم را تا ۸ درصد بالا ببرد.^{۱۷۶} روسها از این هم فراتر رفتند و به انگلیسیها پیشنهاد دادند که ما فقط هنگامی باید وام مورد نیاز را در اختیار دولت ایران که آن دولت رسماً موافقت خود را با قرارداد معروف ۱۹۰۷ میلادی اعلام کند.^{۱۷۷} بدین ترتیب، پس از مذاکراتی نسبتاً طولانی، روس و انگلیس جهت اعطای وامی مشترک به مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ لیره به ایران از طریق سفرای خود در تهران شروط زیر را به دولت ایران پیشنهاد کردند:

... مساعده مذکور در تحت کنترل خزانه‌داری بر وفق پروگرامی که او به موافقت کابینه و تصویب سفارتین طرح خواهد نمود به مصرف خواهد رسید؛ و ضمناً شرط می‌شود که یک قسمت زیادی برای تشکیل ژاندارمری دولتی به کمک صاحب‌منصبان سوئدی تخصیص خواهد شد. در پیشنهاد نمودن این مسئله و محض نیل به مقاصدی که در ابتدای این مراسله مذکور گشته سفارتین امیدوارند که دولت ایران متعهد می‌شوند که اولاً پلتیک خود را از این به بعد با اصول معاهده انگلیس و روس سنه ۱۹۰۷ وفق دهند و ثانیاً به مجرد آنکه سالارالدوله و محمدعلی شاه از خاک ایران خارج شدند فدائیان و قشون غیرمنظمی را که فعلاً در استخدام دولت ایران می‌باشند اخراج نمایند و ثالثاً با سفارتین در خصوص نقشه‌ای برای تشکیل یک قشون منظم مؤثر کوچکی مذاکره نمایند و رابعاً آنکه با محمدعلی شاه در موضوع حرکت او از ایران و حقوق و عفو عمومی به همراهان وی مذاکره نمایند. امید است جواب مساعدی داده خواهد شد.^{۱۷۸}

دولت ایران درباره جرح و تعدیلهایی که در مفاد آن شرایط انجام داد، با سفرای روس و انگلیس در تهران به مذاکره پرداخت. با این حال، دو سفارت تقریباً تردیدی نداشتند که دولت ایران با بخش اصلی آن شرایط که همانا رسمیت بخشیدن به قرارداد ۱۹۰۷ م بود روی موافق نشان داده است و به همین دلیل چندان دلیلی برای اجتناب از برخی چانه‌زنیهایی که اولیای دولت ایران در پی آن بودند، نمی‌دیدند.^{۱۷۹} بدین ترتیب، و در حالی که شرایط لازم برای پرداخت قرضه‌ای ۲۰۰/۰۰۰ لیره‌ای از سوی دولتهای روس

۱۷۷. همان، صص ۱۶۰۹-۱۶۱۳.

۱۷۶. همان، صص ۱۵۸۲-۱۵۹۶.

۱۷۸. همان، صص ۱۶۱۵-۱۶۱۶؛ مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۰ق، کارتن ۵۲؛ احمد کسروی، همان،

۱۷۹. کتاب آبی، همان، ج ۷، صص ۱۶۳۴-۱۶۴۶.

صص ۵۰۴-۵۰۵.

و انگلیس به دولت ایران فراهم می‌شد سفرای دو کشور در تهران از مرنارد خزانه‌دار و رئیس کل گمرکات خواستند فهرست کاملی از عایدات و هزینه‌های جاری دولت ایران را در اختیار آنان قرار دهد تا بتوانند با توجه به آن فهرست از بازپرداخت به موقع اقساط این وام در دست تهیه اطمینان حاصل کنند. مرنارد نیز در نامه‌ای به تاریخ چهارم مارس ۱۹۱۲/۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۳۰ فهرستی از دخل و خرج دولت ایران در اختیار مسئولان کشور قرارداد تا به آن دو سفارت تسلیم شود.^{۱۸۰}

دولت ایران نیز پس از مدتی مذاکره، سرانجام در ۲۰ مارس ۱۹۱۲/۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۰ موافقت خود را با شرایط دو کشور روس و انگلیس برای پرداخت وامی به مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ لیره اعلام کرد و، بدین ترتیب، پس از سالها مقاومت، در نهایت، دولت ایران صرفاً به خاطر اخذ مبلغی ناچیز (۲۰۰/۰۰۰ لیره) حاضر شد مفاد قرارداد ۱۹۰۷ میلادی را به رسمیت بشناسد. این اعلام موافقت دولت ایران به سفارت انگلیس، که البته مقارن با تعطیلی مجلس شورای ملی بود، عقب‌نشینی فاحشی برای دولت مشروطه و وهن بزرگ‌تری برای مردم کشور به شمار می‌رفت.^{۱۸۱}

بدین ترتیب، پس از موافقت دولت ایران با شروط فوق دو کشور از طریق بانکهای شاهنشاهی و استقراضی هریک مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ لیره در اختیار دولت ایران قرار دادند.^{۱۸۲} اما، چنانکه انتظار می‌رفت، مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ لیره فوق خیلی زود به مصرف رسید و مدت کوتاهی پس از آن دولت ایران از طریق مسیو مرنارد خزانه‌دار کل تقاضای مساعده‌ای دیگر کرد.^{۱۸۳} اما، برخلاف عقیده انگلیسیها، دولت روس از اینکه بار دیگر مساعده‌ای محدود در اختیار دولت ایران قرار دهند روی موافق نشان نمی‌داد و مایل به پرداخت قرضه‌ای چندین میلیون لیره‌ای بود.^{۱۸۴} در همان حال، دولت ایران برای اینکه دو کشور روس و انگلیس را به پرداخت مساعده‌ای دیگر راضی نماید در نامه‌ای که در ۲۷ مارس ۱۹۱۲/۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۰ به توسط مسیو مرنارد برای سفارتخانه‌های آن دو کشور فرستاد چگونگی به مصرف رسیدن مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ لیره‌ای را که چندی قبل دو کشور در اختیار دولت ایران قرارداد داده بودند به اطلاع آنان رسانید.^{۱۸۵}

در همان حال، دولت روسیه که احساس می‌کرد با اعطای مساعده محدود دیگری به

۱۸۰. همان، ج ۸، صص ۱۶۸۶-۱۶۹۰.

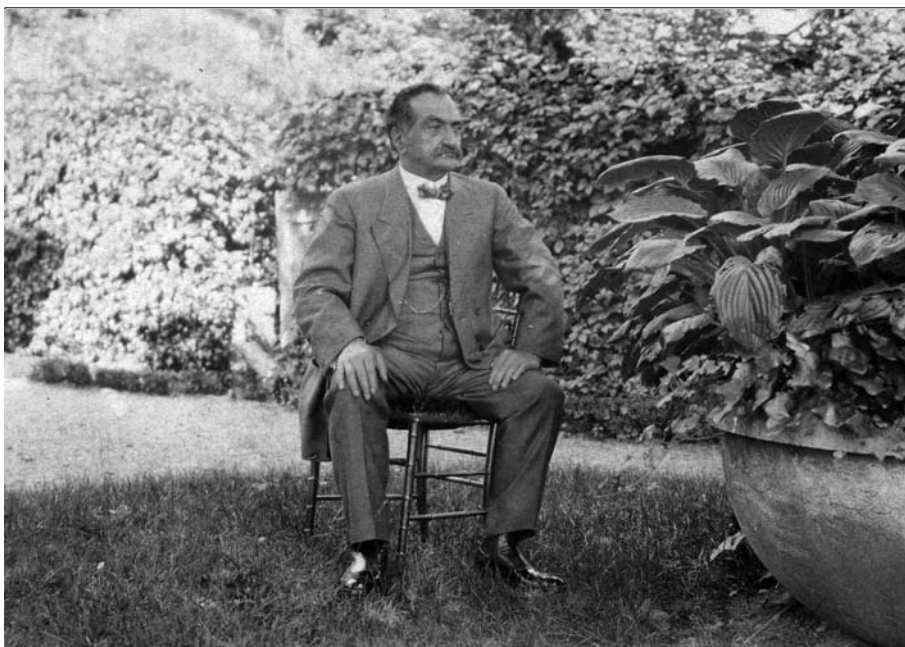
۱۸۱. همان، ج ۷، صص ۱۶۷۲-۱۶۷۴.

۱۸۲. همان، ص ۱۶۸۰.

۱۸۳. همان، ج ۸، صص ۱۷۲۱ و ۱۷۲۷-۱۷۲۸.

۱۸۴. همان، صص ۱۷۳۶-۱۷۳۷.

۱۸۵. همان، صص ۱۷۳۲-۱۷۳۳.



مسعود میرزا ظل السلطان در اواخر عمر
وی از جمله کسانی بود که مجبور به دادن قرضه به حکومت مشروطه شد [۴۴۵۶-۶۱]

دولت ایران زمینه برای اخذ امتیازات سیاسی - اقتصادی بیشتر فراهم خواهد شد شرط کرد که فقط زمانی با پرداخت این قرضه با انگلیسیها همگام خواهد شد که دولت ایران حق تملک اموال غیرمنقول در ایران را برای اتباع روسیه به رسمیت بشناسد و تسهیلاتی در زمینه امور معاملاتی و احکام قضایی برای اتباع روسی حاضر در ایران قائل شود.^{۱۸۶} با این حال، آن دو سفارت هنوز از صحت مندرجات فهرستهایی که مسیو مرنارد درباره میزان عایدات دولت ایران در اختیار آنان قرار می داد اطمینان نداشتند و به بازپرداخت اقساط قروض جدیدی که می باید در آینده ای نه چندان دور به دولت ایران بپردازند، چندان امیدوار نبودند. علاوه بر این، دولت ایران ضمن موافقت با اصلاح پاره ای از قوانین قضایی در مورد اتباع خارجی، هیچ گونه قول مساعدی درباره امکان اتباع اموال غیرمنقول به توسط اتباع غیرایرانی نداد.^{۱۸۷} اما از آنجایی که اوضاع مالی دولت ایران

۱۸۷. همان، صص ۱۸۲۱-۱۸۲۳.

۱۸۶. همان، صص ۱۷۴۶-۱۷۴۷.

سخت بحرانی بود و تعهدات پرداخت نشده قابل توجهی بر ذمه اولیاء امور کشور باقی بود دولت انگلستان ضمن موافقت با پرداخت مساعده‌ای محدود به مبلغ ۵۰/۰۰۰ لیره به دولت ایران مسئولان دولت روسیه را به مشارکت در این قرض دعوت کرده تقاضا نمود تا از این رقم مساعده محدود مبلغ ۲۵/۰۰۰ لیره آن را بانک استقراضی متقبل شود.^{۱۸۸} دولت روسیه نیز، در نهایت، رضایت خود را با پرداخت این مبلغ به دولت ایران اعلام کرد؛ اما متذکر شد به دولت ایران هشدار داده شود که پس از دریافت این مبلغ دوباره تقاضای مساعده نکند.^{۱۸۹} و مدتی بعد هم پرداخت همین مبلغ مختصر را به آمادگی دولت ایران به مذاکره درباره احداث راه آهن توسط روسها در ایران مشروط ساخت.^{۱۹۰} با این حال، دولت ایران نیز پس از چندی بر میزان تقاضای خود افزود و اعلام نمود که قرضه مشترک ۵۰/۰۰۰ لیره‌ای مذکور برای نیازهای جاری دولت کافی نخواهد بود و از آن دو سفارت تقاضا نمود تا مقدار این مساعده را تا ۲۰۰/۰۰۰ لیره افزایش دهند و در تأیید این تقاضا و ادعای خود فهرستی از هزینه‌های دولت را در اختیار آنان قرار داد.^{۱۹۱} موسیو مرنارد نیز در مذاکراتش با سفارت‌های روس و انگلیس، ضمن تأکید بر احتیاجات مالی دولت ایران، لزوم پرداخت مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ لیره مساعده فوری را یادآور شد و اضافه نمود که دولت ایران درصدد است برای دریافت وامی سنگین بین ۵/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶/۰۰۰/۰۰۰ لیره به آن دو کشور مراجعه نماید و بار دیگر فهرستی از دخل و خرج دولت را در اختیار آن دو سفارت قرار داد تا با بررسی آن درباره لزوم اختصاص قرضه‌ای مناسب به دولت ایران تصمیم‌گیری نمایند.^{۱۹۲} دولت ایران نیز برای جلب نظر روسها درباره امتیاز احداث راه آهن در ایران وعده‌های مساعدی داد.^{۱۹۳} با این حال، دولت روسیه موافقت خود را فقط با پرداخت ۲۵/۰۰۰ لیره به دولت ایران اعلام کرد و این مبلغ در اواسط رمضان ۱۳۳۰/ اوایل اوت ۱۹۱۲ از طریق بانک استقراضی در اختیار دولت ایران قرار گرفت.^{۱۹۴} اما دولت ایران کماکان در تلاش بود مساعده بیشتری از دو کشور اخذ نماید.^{۱۹۵} و هر از چندگاه فهرستی از عایدات سالانه خود را به آن سفارتخانه‌ها ارائه می‌داد «محض آنکه بنمایاند که این عایدات ملی آنها برای تأمین قرضه ۵/۰۰۰/۰۰۰ لیره‌ای بدون آنکه به مالیات دست بزنند کافی بلکه زیاده از اندازه

۱۸۸. همان، ص ۱۸۴۶. ۱۸۹. همان، ص ۱۸۵۰. ۱۹۰. همان، ص ۱۸۷۶.
 ۱۹۱. همان، صص ۱۹۴۶-۱۹۴۸. ۱۹۲. همان، صص ۱۹۳۴-۱۹۳۵. ۱۹۳. همان، صص ۱۹۱۲-۱۹۱۳.
 ۱۹۴. همان، ص ۱۹۲۰. ۱۹۵. همان، ص ۱۹۲۰.

لزوم می‌باشد.^{۱۹۶} اما از آن سو، دو کشور روس و انگلیس دربارهٔ چگونگی احداث خطوط آهن در بخشهای تحت نفوذ خود به مذاکره پرداختند و هر یک از دو کشور دربارهٔ شرایطی که آنها را قادر می‌ساخت خطوط آهن خود را در ایران گسترش دهند به توافقاتی مقدماتی دست یافتند.^{۱۹۷}

دولت ایران نیز، که احساس می‌کرد موقعیت مناسبی برای تقاضای وام کافی از دولتهای یاد شده فراهم آمده است، در ۱۹ اکتبر ۱۹۱۲/۲۷ شوال ۱۳۳۰ در نامه‌ای که از طریق وزارت امور خارجه برای سفارتهای روس و انگلیس در تهران فرستاد، ضمن تشریح برنامه‌های اصلاحی دولت در زمینه‌های امنیت تشکیل قشون و ژاندارمری، لزوم اخذ وامی تا ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان از دولتهای مذکور را یادآور شده در مرحله نخست تقاضای دریافت مساعده‌ای ۲۰۰/۰۰۰ لیره‌ای را کرد و، در مقابل، وعده داد که با احداث راه آهن در ایران از سوی آن دو کشور موافقت خواهد نمود.^{۱۹۸}

در همان حال که دولت ایران این تقاضاها را مطرح می‌کرد بحران مالی دولت فراگیر بود و به علت فقدان نقدینگی لازم نیروی انتظامی کشور کارایی خود را در حفظ امنیت از دست داده بود و، در نتیجه، امکان وصول کامل عایدات دولتی در بخشهای مختلف کشور تا حد قابل توجهی کاهش یافته بود. به همین دلیل، وزارت خارجه دولت بریتانیا در ۱۳ نوامبر ۱۹۱۲/۳ ذیحجه ۱۳۳۰ به سفیر آن کشور در سن پترزبورگ دستور داد با یادآوری این امور به مسئولان دولت روسیه لزوم پرداخت قرضه مشترکی به مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ لیره به دولت ایران را گوشزد آنان کند.^{۱۹۹}

سفیر روسیه در تهران نیز بر این عقیده بود که دولت ایران برای فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی و مالی خود نیازمند اخذ وامی سنگین از روس و انگلیس است و بدین ترتیب سر ادوارد گری امیدوار بود که با اخذ امتیاز احداث راه آهن در ایران امکان دادن وامی تا ۱/۰۰۰/۰۰۰ لیره به دولت ایران میسر شود.^{۲۰۰} اما دولت روسیه تأکید داشت که پرداخت قرضه‌ای به این مبلغ به دولت ایران گرهی از مشکلات این کشور نخواهد گشود؛ و به انگلیسیها توصیه نمود تا پس از پایان طرح اخذ امتیاز احداث راه آهن سراسری ایران به توسط دو کشور روس و انگلیس دربارهٔ اعطای قرضه‌ای تا

۱۹۶. همان، ص ۱۹۱۴. ۱۹۷. همان، صص ۱۹۴۹-۱۹۵۷.

۱۹۸. همان، صص ۱۹۷۹-۱۹۸۲ و ۱۹۸۶. ۱۹۹. همان، صص ۲۰۰۲-۲۰۰۳.

۲۰۰. همان، صص ۲۰۱۸-۲۰۲۳.

۶/۰۰۰/۰۰۰ لیره به دولت ایران مذاکره شود.^{۲۰۱} با این حال، دولت انگلیس برای جلب رضایت روسها میزان مساعده پیشنهادی را تا مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ لیره کاهش داد و توانست موافقت ضمنی روسها را به این پیشنهاد جلب نماید.^{۲۰۲} اما این مساعده پیشنهادی گری تا پایان سال ۱۹۱۲م/ ۳۳۰ق به دولت ایران پرداخت نشد؛ ولی، در مقابل، در اواسط دسامبر ۱۹۱۲/ اوایل محرم ۱۳۳۱ دولت روسیه به توافقی با دولت ایران دست یافت که طبق آن بانک استقراضی حاضر می شد تا مدتی نامعلوم ماهانه ۳۰/۰۰۰ تومان در اختیار حکمران کرمانشاه قرار دهد تا به مصارف حکومت آن منطقه برسد.^{۲۰۳}

مذاکرات قرضه طی سالهای ۱۳۳۱-۱۳۳۲ق/ ۱۹۱۳-۱۹۱۴م

از ۲۹ رجب ۱۳۲۹ تا اوایل صفر ۱۳۳۱ نجفقلی خان صمصام السلطنه بختیاری پنج بار پیاپی کابینه‌هایی را تشکیل داده بود.^{۲۰۴} و دولت‌های روس و انگلیس درصدد بودند با روی کارآوردن کابینه‌ای جدید، و در عین حال دلخواه، بازم بر نفوذ سیاسی - اقتصادی و نیز نظامی خود در ایران بیفزایند؛ به ویژه، روسها از صمصام السلطنه بختیاری رضایت خاطر چندانی نداشتند.^{۲۰۵} به همین دلیل، در هماهنگی با متحد خود انگلستان فرد دیگری را برای احراز پست ریاست‌الوزرای جست و جو می کردند. پس از آنکه تلاش آنان برای بهره‌گرفتن از افرادی نظیر سعیدالدوله و عین‌الدوله بی نتیجه ماند، محمدعلی خان علاء السلطنه بیش از سایرین برای پست ریاست‌الوزرای مناسب تشخیص داده شد. طولی نکشید که او به سمت فوق منصوب شد و در ۱۱ ژانویه ۱۹۱۳ کابینه خود را تشکیل داد.^{۲۰۶}

کابینه علاء السلطنه هم نظیر دولت‌های پیشین از همان آغاز دچار بحران مالی بود و، در نتیجه، مذاکره و ام با دولت‌های روس و انگلیس پی گرفته شد. پیش از آن و در دوره ریاست‌الوزرای صمصام السلطنه، انگلیسها به روسها پیشنهاد کرده بودند برای نجات دولت ایران از بحران، دو کشور مشترکاً وامی به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ لیره در اختیار آن قرار دهند و دولت روسیه نیز پیش شرط مشارکت خود در این طرح را اخذ امتیاز احداث

۲۰۱. همان، صص ۲۰۲۸-۲۰۳۱.

۲۰۲. همان، صص ۲۱۱۲-۲۱۱۳.

۲۰۳. همان، صص ۲۱۲-۲۱۳. ۲۰۴. جمشید ضرغام بروجنی، همان، صص ۶۸-۸۱.

۲۰۵. ابراهیم صفایی، زمینه اجتماعی کودتای...، همان، صص ۱۲۴-۱۳۳.

۲۰۶. ایرج ذوقی، همان، ص ۱۰۵؛ و عبدالحسین نوایی، ایران و جهان، همان، صص ۲۹۵-۲۹۶.

راه آهن در مسیر جلفا - تبریز اعلام کرده بود؛ و اینک علاء السلطنه برای به دست آوردن پول لازم خود را ناگزیر می دید طرح اعطای امتیاز راه آهن فوق به روسها را به جد مورد بررسی و توجه قرار دهد.^{۲۰۷} علاوه بر این، انگلیسیها نیز خود را محق می شناختند که هرگاه امتیاز راه آهن جلفا - تبریز به روسها واگذار شود اتباع آن کشور نیز بتوانند امتیاز مشابهی در محمره به دست آورند. بدین ترتیب، اصلی ترین پیش شرط اعطای وام به دولت ایران اخذ امتیاز راه آهن از سوی دو کشور روس و انگلیس اعلام شد.^{۲۰۸} در همان حال، علاء السلطنه مدت کوتاهی پس از آغاز کار کابینه اش برنامه ای در زمینه اصلاحات مالی - اداری و غیره تهیه کرد و به سفارتهای روس و انگلیس در تهران اطلاع داد که جهت اجرای این برنامه نیازمند دریافت وامی به مبلغ ۳/۵۰۰/۰۰۰ لیره از آن دو کشور است. با این حال، سفارتهای یاد شده در اینکه علاء السلطنه بتواند اصلاحاتی اساسی انجام دهد تردید داشتند.^{۲۰۹} در این میان، دولت بریتانیا روسیه را تشویق می کرد که، در گام نخست، اخذ امتیاز راه آهن از دولت ایران را مورد توجه قرار دهد و پس از آن در پرداخت مساعده ۵۰۰/۰۰۰ لیره ای به دولت ایران مشارکت کند تا مشکلات جاری دولت تخفیف یابد.^{۲۱۰}

وزیر امور خارجه ایران و ثوق الدوله نیز در ملاقات خود با سروالتراونلی سفیر وقت بریتانیا در تهران تقاضا نمود که روس و انگلیس جهت تأمین نیازهای فوری دولت مبلغ ۶۰۰/۰۰۰ لیره اختصاص دهند و برای انجام دادن اصلاحات درازمدت وامی به مبلغ ۶/۰۰۰/۰۰۰ لیره در اختیار دولت ایران قرار دهند.^{۲۱۱} در همان حال، دولت ایران برای اینکه در اخذ مساعده ای فوری از آن دو دولت تسریع شود درباره امتیاز راه آهن خیلی زود با روسها به توافق رسید و در ششم فوریه ۲۹/۱۹۱۳ صفر ۱۳۳۱ امتیاز فوق به آن کشور داده شد؛ اما برای اعطای امتیاز مشابه به انگلیسیها تا مدتها توافقی صورت نگرفت.^{۲۱۲}

دولت روسیه پس از اخذ امتیاز راه آهن حاضر شد فقط مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ لیره به عنوان مساعده در اختیار دولت ایران قرار دهد و بدین ترتیب میزان این وام پیشنهادی انگلیسیها

۲۰۷. احمد کسروی، همان، صص ۵۶۵-۵۶۶.

۲۰۸. کشف تلبیس یا دورویی و نیرنگ انگلیس. به کوشش عین الله کیانفر و پروین استخری. تهران، زرین، ۱۳۶۳.

۲۰۹. کتاب آبی، همان، ج ۸، صص ۲۱۰۱-۲۱۰۳.

ص ۳۴۴.

۲۱۱. همان، ص ۲۱۳۸.

۲۱۰. همان، صص ۲۱۳۴-۲۱۳۵.

۲۱۲. همان، ص ۲۱۴۳.

را از ۵۰۰/۰۰۰ لیره به ۴۰۰/۰۰۰ لیره تقلیل داد.^{۲۱۳} بدین ترتیب دولتهای روس و انگلیس جهت پرداخت وامی مشترک به مبلغ ۴۰۰/۰۰۰ لیره به دولت ایران به توافق رسیدند. انگلیسیها ۲۰۰/۰۰۰ لیره سهمیه خود را در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۳۱ از طریق بانک شاهنشاهی به حساب دولت ایران واریز نمودند و دولت روسیه نیز به توسط بانک استقراضی به اقدام مشابهی دست زد؛ و در نهایت، در سوم جمادی الثانی ۱۳۳۱ وام ۲۰۰/۰۰۰ لیره‌ای روسها در اختیار دولت ایران قرار گرفت. تنزیل این وام مشترک ۷ درصد تعیین و عایدات گمرکات شمالی و جنوبی کشور نیز برای بازپرداخت اقساط این وام در نظر گرفته شده بود.^{۲۱۴}

چنانکه پیش‌بینی می‌شد قرضه ۴۰۰/۰۰۰ لیره‌ای فوق به سرعت به مصرف رسید و بار دیگر دولت خود را نیازمند اخذ وام بیشتری دید.^{۲۱۵} گفته می‌شد که مبالغ زیادی از این قرضه به مصارف بی‌بهره رسیده است.^{۲۱۶}

در طی سال ۱۹۱۳م/ ۱۳۳۱ق دولت بریتانیا یک فقره وام محدود نیز در اختیار دولت ایران قرارداد. اما دولت روسیه فقط به پرداخت همان مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ لیره فوق اکتفا نمود.^{۲۱۷} طی ماههای پایانی سال ۱۹۱۳م/ ۱۳۳۱ق تا اوت ۱۹۱۴/ رمضان ۱۳۳۲، که منتهی به آغاز جنگ جهانی اول شد، دولت ایران هیچ‌گونه وامی از بانک استقراضی دریافت نکرد و مذاکرات گاه و بیگاه دولت ایران با مسئولان این بانک و سفارت روس در تهران نیز به نتیجه نرسید. علاوه بر این، طی این برهه شاهد به وجود آمدن برخی تنشهای سیاسی میان سیاست انگلیس و روس در عرصه ایران هستیم و موضعگیری سفارتهای مزبور درباره منافع سیاسی - اقتصادی آنها در ایران کمتر دوستانه به نظر می‌رسید و دولت ایران نیز چندان مورد رضایت روسها نبود. سفیر روسیه در همان زمان، طی مصاحبه‌ای که با روزنامه رعد به مدیر مسئولی سید ضیاءالدین طباطبایی انجام می‌دهد، به طور ضمنی به نظری که میان سیاست دو کشور در عرصه ایران بروز کرده بود اشاره می‌کند.^{۲۱۸} سفیر بریتانیا در تهران سر والتر تاونلی هم در بخشنامه‌ای که در ۲۳ مارس

۲۱۳. همان، صص ۲۱۵۴-۲۱۵۵.

۲۱۴. روزنامه کاوه، س ۳، ش ۳۱-۳۲، ۹ محرم ۱۳۳۷، ص ۱۰؛ و ویلهلم لیتن، همان، صص ۹۵-۹۶.

۲۱۵. قهرمان میرزا سالور (عین السلطنه)، همان، ج ۵، ص ۳۸۶۱. ۲۱۶. همان، ص ۳۸۸۹.

۲۱۷. ایرج ذوقی، همان، صص ۱۰۶-۱۰۷.

۲۱۸. قهرمان میرزا سالور (عین السلطنه)، همان، ج ۵، صص ۴۰۸۰-۴۰۸۵.



احمد قوام وزیر مالیه کابینه محمدعلی علاءالسلطنه در میان کارکنان ایرانی و مستشاران خارجی وزارت مالیه مورنارد بلژیکی و خلیل فهیمی در عکس دیده می‌شود [۳۹۷-۶]

۲۵/۱۹۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ خطاب به کنسولهای آن کشور در شهرهای مختلف ایران می‌فرستد تأکید می‌کند که «امور ایران باعث بعضی مذاکرات مخالفت آمیزی بین روس و انگلیس شده است و ارتباط این دو در اینجا به آن صمیمیت و یگانگی قدیمی نیست. وزیر تازه روس در حرکات خود قدری عجیب به نظر می‌رسد.»^{۲۱۹}

اسناد و مدارک آن برهه هم حکایت از تلاش دولت بریتانیا و نیز حکومت هند برای گسترش نفوذ تجاری - اقتصادی خود در ایران و جلوگیری از سلطه روسها در بازارهای داخلی ایران دارد.^{۲۲۰} بدین ترتیب، روابط دو کشور روس و انگلیس در ایران تا آغاز جنگ جهانی اول کمتر دوستانه بود؛ اما با آغاز جنگ، این روند به سرعت تغییر یافت و

۲۱۹. کشف تلبیس یادورویی و نیرنگ انگلیس، همان، صص ۱۹۵-۱۹۷.

۲۲۰. همان، صص ۱۶۶-۱۶۹.

آشتی جویانه گردید.

از جمله مواردی که طی همان ماههای نخست سال ۱۳۲۲ق/ ۱۹۱۴م باعث بروز اختلاف میان دولت ایران با بانک استقراضی و سفارت روس در تهران شد طرح بانک مذکور جهت احتساب قروض اشخاصی به عنوان وام و دیون دولتی بود. طی سالهای گذشته هم بانک استقراضی به اینگونه اقدامات دست یازیده و، به تبع آن، مشکلاتی با دولت ایران پیدا کرده بود. در روزهای پایانی سال ۱۹۱۲م بانک استقراضی طی یادداشتی خطاب به وزیر امور خارجه ایران مدعی شد که بروات و اسناد دولتی برخی اشخاص را اخذ و نقد کرده است و از مسئولان ایران خواست در مورد احتساب این مبلغ به عنوان قرضه دولتی اقدام لازم را معمول دارند.^{۲۲۱} در نتیجه، بانک مذکور، با هماهنگی سفارت روسیه در تهران، فهرستی به دولت ایران ارائه داد که حاکی از پرداخت مبلغ ۸/۰۶۹/۴۲۹ قران از سوی بانک استقراضی به ۲۲ نفر از کسانی بود که در مقاطع مختلف بروات و اسناد دولتی را تسلیم آن بانک کرده بودند.^{۲۲۲}

لازم است یادآوری شود که بانک استقراضی، براساس توافقاتی که از سالها قبل با دولت ایران کرده بود، تمام عایدات حاصل از گمرکات شمال را در حسابی مخصوص جمع‌آوری می‌نمود و پس از کسر اقساط مطالبات خود، مازاد آن را در موعد مقرر به دولت ایران تسلیم می‌کرد و اینک از دولت ایران می‌خواست تا با احتساب این قروض به عنوان وام دولتی مبلغ مذکور را از حساب همین مازاد عایدات گمرکات شمال که از سوی آن بانک جمع‌آوری شده بود کسر نماید. اما دولت ایران ضمن رد این تقاضای بانک استقراضی و سفارت روس اقدام بانک مذکور را در قبول بروات و اسناد دولتی از افراد متفرقه ناقض توافقات میان آن بانک با دولت ایران ارزیابی کرده در ۲۱ محرم ۱۳۳۲/ ۲۰ دسامبر ۱۹۱۳ طی نامه‌ای از سفارت روس در تهران خواست تا مسئولان بانک استقراضی را از هرگونه اقدامی در کسر عایدات گمرکات شمال ایران در قبال نقد بروات دولتی اشخاص برحذر دارد.^{۲۲۳}

وزارت امور خارجه ایران در همان روز ۲۱ محرم ۱۳۳۲/ ۲۰ دسامبر ۱۹۱۳ در نامه دیگری، که خطاب به ریاست بانک استقراضی فرستاد، ضمن یادآوری قراردادهای فیما بین، مخالفت اکید دولت را با احتساب قروض اشخاصی که بروات دولتی خود را در

۲۲۱. مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۲ق، کارتن ۵۲، پوشه ۵۲.

۲۲۲. همان.

۲۲۳. همان.

نزد آن بانک به پول نقد تبدیل کرده‌اند، اعلام نمود.^{۲۲۴}

اما بانک استقراضی، ضمن رد ادعای دولت ایران بر لزوم احتساب قروض اشخاص فوق تحت عنوان وام دولتی، اصرار می‌ورزید و تقاضا می‌کرد با تشکیل کمیسیونی مرکب از نمایندگان بانک و دولت ایران به اختلافات فیما بین پایان داده شود.^{۲۲۵}

دولت ایران نیز، طی پاسخی که در سلخ محرم ۱۳۳۲ به بانک استقراضی نوشت، ادعای بانک را درباره لزوم احتساب قروض اشخاص یاد شده به عنوان دیون دولتی به کلی مردود شمرده به اولیای آن بانک هشدار داد که از برداشت هرگونه وجهی از حساب دولت ایران به منظور ناصواب فوق اجتناب ورزند.^{۲۲۶}

وزارت امور خارجه ایران در دوم صفر ۱۳۳۲ در همین باره نامه‌ای نیز به سفارت روس در تهران فرستاد و از مسئولان آن سفارت خواست به بانک استقراضی اخطار کند تا از احتساب قروض اشخاص متفرقه مزبور به عنوان دیون دولتی خودداری کند. با این حال از مذاکرات و نامه‌نگاریهای فوق نتیجه‌ای مشخص حاصل نشد.^{۲۲۷}

بانک استقراضی طی سال ۱۳۳۲/ق/۱۹۱۴م به اقدام مشابه دیگری هم دست زد و آن احتساب مطالبات و دعاوی اتباع روسیه از دولت ایران به عنوان قروض دولتی بود. در ۲۵ شعبان ۱۳۳۲/۹ ژوئیه ۱۹۱۴ سفارت روس در تهران در نامه‌ای که برای وزارت امور خارجه ایران فرستاد فهرستی از مطالبات و دعاوی بریگاد قزاق و نیز اشخاصی از اتباع آن کشور از دولت ایران را ارائه داد و اضافه نمود که جهت تسویه و وصول این مطالبات بانک استقراضی مبالغی از مازاد عایدات گمرک شمالی ایران را توقیف نموده است.^{۲۲۸}

سفارت روس در ۲۹ شعبان ۱۳۳۲ نیز صورتی از مخارجی را که ادعا می‌کرد به مصرف بریگاد قزاق رسیده است به وزارت امور خارجه ایران ارائه داده بر حقانیت بانک استقراضی در توقیف مبلغ هزینه شده فوق برای بریگاد قزاق تأکید نمود.^{۲۲۹}

وزارت مالیه ایران، که از طریق وزارت امور خارجه در جریان این ادعاهای بانک استقراضی و سفارت روس قرار گرفته بود، به مسئولان وزارت امور خارجه هشدار داد که از قبول این دعاوی خودداری ورزند و مواردی را از خلاف صحت ادعاهای بانک استقراضی و سفارت روس در آن باره برشمرد.^{۲۳۰} وزارت امور خارجه برای کسب

۲۲۶. همان.

۲۲۵. همان.

۲۲۴. همان.

۲۲۸. همان، سال ۱۳۳۲ق، کاترین ۳۳، پوشه ۲۹.

۲۲۷. همان.

۲۳۰. همان.

۲۲۹. همان.

اطلاع از صحت و سقم ادعای سفارت روس و بانک استقراضی در هماهنگی با وزارت مالیه از خزانه دار کل هسنسن استفسار نمود.^{۲۳۱} خزانه دار کل نیز در نامه‌ای که در هشتم سنبله ۱۳۳۲ ق برای وزارت امور خارجه فرستاد اعلام نمود که دربارهٔ موارد ادعایی بانک استقراضی و سفارت روس هیچ‌گونه پرونده و سابقه‌ای در خزانه‌داری کل وجود ندارد.^{۲۳۲}

هنسنس در نامه دیگری خطاب به وزارت مالیه، ضمن اشاره به توقیف عایدات گمرک شمال در بانک استقراضی از کم و کیف این ادعاها اظهار بی‌اطلاعی نموده خواستار پیگیری موضوع از طریق وزارت امور خارجه شد.^{۲۳۳}

وزارت مالیه هم از وزارت خارجه خواست دربارهٔ مبالغی که بانک استقراضی از مازاد عایدات گمرکات شمالی ایران تحت عنوان دعاری و مطالبات اتباع روسیه کسر نموده است تحقیقات کافی به عمل آورده مسئولان کشور را در جریان امر قرار دهد.^{۲۳۴} در آن هنگام میان دولت ایران با دولت روسیه مذاکراتی در جریان بود تا جهت برقراری استمهال در بازپرداخت اقساط قروض ایران و نیز پرداخت مبالغی بیش از عایدات مازاد گمرک شمال ایران به دولت ایران قرار داده شود. از این رو، سفارت روس به وزارت امور خارجه ایران پیشنهاد کرد تا پایان مذاکرات دو طرف، موضوع مبلغ توقیف شدهٔ فوق مسکوت گذارده شود.^{۲۳۵} وزارت امور خارجه هم در نامه‌ای که در جواب استفسار وزارت مالیه برای آن وزارت فرستاد لزوم مسکوت ماندن پیگیری آن مبلغ را گوشزد نمود.^{۲۳۶} با آنکه پس از پایان مذاکرات دولت ایران و روسیه دربارهٔ استمهال قروض ایران وزارت مالیه اظهار تمایل کرد تا موضوع وجوه توقیفی یاد شده در بانک استقراضی بار دیگر پیگیری شود، این قضیه کماکان مسکوت ماند.^{۲۳۷}

۲۳۳. همان.

۲۳۲. همان.

۲۳۱. همان.

۲۳۶. همان.

۲۳۵. همان.

۲۳۴. همان.

۲۳۷. همان.